درسایه‌سار خطبه حضرت زهرا(س)

به انضمام:

منابع و کتابشناسی خطبه، تاریخچه فدک

بیوگرافی مولف و چهل حدیث در فضائل حضرت زهرا(س)

به قلم: علی اکبر مهدی پور

بسم الله الرحمن الرحیم

در سایه سار خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها : متن کامل و ترجمه روان خطبه فدکیه

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

حسینیه عمادزاده اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

در سایه سار خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها : متن کامل و ترجمه روان خطبه فدکیه

مشخصات کتاب

سرشناسه : فاطمه زهرا (س)، ۸ قبل از هجرت _ ۱۱ ق . ۸ قبل از هجرت

عنوان و پدیدآور : در سایه سار خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها : متن کامل و ترجمه روان خطبه فدکیه / به قلم حسین عمادزاده ؛ مقدمه و یادداشت ها به قلم علی اکبر مهدی پور .

مشخصات نشر : اصفهان : عمادزاده ، ۱۳۸۸ .

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص .

شابک : ۳ - ۰ - ۱۱۲۵ - - ۹۶۴ ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : عربی _ فارسی .

یادداشت : عنوان دیگر : خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها : متن کامل و ترجمه روان خطبه فدکیه .

عنوان قراردادی : خطبه فدک . شرح

عنوان دیگر : خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها : متن کامل و ترجمه روان خطبه فدکیه .

موضوع : فاطمه زهرا سلام الله علیها ، ۸؟ قبل از هجرت _ ۱۱ ق . _ خطبه ها

شناسه افزوده : عمادزاده ، حسین ، ۱۲۸۵ _ ۱۳۶۹ ، مترجم .

رده بندی کنگره : ۱۳۸۷ ۲ م ۸۴ع / ۲۲ / ۲۷ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷ / ۹۷۳

شماره کتابخانه ملی : ۱۶۶۹۸۵۶

در سایه سار خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام

حسین عمادزاده

مقدّمه و یادداشت ها : علی اکبر مهدی پور

ناشر : انتشارات حسینیّه عمادزاده _ اصفهان

چاپ اول / ۱۳۸۸ / ۵۰۰۰ نسخه / ۱۱۲ صفحه رقعی

چاپخانه عمران

شابک : ۳ _ ۰ _ ۱۱۲۵ _ ۹۶۴ _ ۹۷۸

۱۰۰۰ تومان

ص: ۱

اشاره

خطبه ی آتشین بانوی نمونه ی اسلام

بقیّه النبوّه

حضرت فاطمه ی زهرا سلام اللّه علیها ،

دخت گرامی حضرت خاتم الأنبیاء صلی الله علیه و آله

را به پیشگاه مقدّس بنیانگذار حکومت واحد جهانی

بر اساس عدالت و آزادی ، خاتم الأوصیاء حضرت

بقی_ه اللّه

ارواحنا فداه ، صاحب « دوله الزّهراء » در فرخنده روز « عید الزّهراء » ، یکهزار و یکصد و هفتادمین سالروز امامت آن حضرت تقدیم می نماییم .

نهم ربیع الأوّل ۱۴۳۰ ه . ق .

ص: ۴

پیشگف_تار

در میان آثار مانـدگار تنها یادگار پیامبر ، حضـرت زهرا علیهاالسـلام « خطبه ی فدکیه » که از سوی کوثر قرآن ، سـرور بانوان جهان ، حضرت زهرای مرضیه علیهاالسلام ، در حضور مهاجر و انصار ، به عنوان استیضاح دولت وقت ایراد شده و صاحب آن از سوی امیر بیان ، مولای متّقیان ، امیرمؤمنان علیه السلام مدال :

یَا ابْنَهَ الصَّفْوَهِ وَبَقِیَّهَ النُّبُوَّهِ ؛

ای دختر برگزیدگی و بازمانده ی پیامبری ،(۱)

دریافت نموده ، از اهمیّت خاصّی برخوردار است و در طول تاریخ صدها بار از سوی فرهیختگان امّت مورد تحقیق و کنکاش قرار گرفته و صـدها شـرح و تفسـیر در پیرامون آن تـدوین یافته ، و همه ساله مسابقه های فراوانی از سوی مراکز فرهنگی برای حفظ متن ، ترجمه ، تفسیر و تحلیل آن برگزار می گردد .

از این رهگذر مناسب به نظر رسید که متن تحقیق شده ی آن با ترجمه ی ساده و روان در دسترس طبقات مختلف قرار گیرد ، منابع آن معرّفی شده ، تلاش های انجام شده از سوی دانشوران و مرزبانان کشور ایمان ، شـناسانده شده ، موقعیّت جغرافیایی و پیشینه ی تاریخی « فدک »

۱- ۱ . طبرسی ، الإحتجاج ، ج ۱ ، ص ۱۰۷ ، مؤسّسه الأعلمی ، بیروت ، ۱۴۰۱ ق .

بررسی گردد .

خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله

در حضور مهاجر و انصار

سر سلسله ی بانوان بزرگی که کرسی خطابه را با خطبه های شورانگیز خود زینت بخشیده اند ، صدیقه ی کبری ، فاطمه ی زهرا سلام اللّه علیها می باشد ، که قدرت بیان ، گیرایی تعبیر ، بلندی معانی و شیوایی اسلوب را از پدر والا قدرش به ارث برده ، در فصاحت و بلاغت هم سنگِ همسر بزرگوارش امیرمؤمنان صلوات اللّه علیه قرار گرفته ، گوی سبقت را از همه ی بانوان عالم برده است.

خطبه ای که در این بخش ، منبع شناسی و کتاب شناسیِ آن تقدیم می گردد ، خطبه ایست که پس از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه ی منوره ، در حضور مهاجر و انصار ، به عنوان «استیضاحِ خلیفه» و انتقاد از نظام حاکم ایراد شده است.

بزرگ بانوی جهان آفرینش ، به هنگام القای این خطبه ، در سوگ پدر بزرگوارش به شدّت متأثّر ، از غصب حق شوی گرامی اش در دریای غم و اندوه غوطه ور ، از ناحیه ی سینه ، بازو ، کمر و صورت به شدت مجروح و مصدوم بود ، ولی در این خطبه از طرز تشکیل حکومت و تحریف مسیر خلافت انتقاد نموده ، آثار زیانبار آن را در اجتماع نوبنیاد اسلامی به تفصیل بیان کرده ، از توحید ، نبوت ، امامت ، فلسفه ی احکام ، حقایق تابناک اسلام و معارف والای تشیع سخن گفته ، چهره ی کریه غاصبان خلافت و متصدیان نامشروع زعامت را به

شایسته ترین وجه ممکن ترسیم نموده ، که از دیدگاه عمق مطالب ، استحکام معانی ، استدلال به آیات قرآن ، استشهاد به سنت قطعی ، شیوایی بیان و تناسب آن با هدف خطابه ، به قدری بلند و پر مایه است که نظیر آن ، جز در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر بیان ، مولای متقیان ، پیشوای پروا پیشگان ، حضرت علی علیه السلام یافت نمی شود.

فرازهای تابناک این خطبه در سینه ها ضبط شد ، در بایگانی تاریخ نقش بست و در سر لوحه ی اوراق زرین تاریخ ثبت گردید ، که در ادامه به تعدادی از منابع مورد اعتماد و استناد اشاره خواهیم کرد و اینک متن کامل و ترجمه ی روان خطبه ی فدکیه :

ص: ۱۰

متن کامل خطبه ی فدکیّه

ص: ۱۱

الْحَمدُ لِلَّهِ عَلى ما أَنْعَمَ ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلى مَا أَلْهَمَ ، وَالثَّناءُ بِما قَدَّمَ .. مِن عُمُومِ نِعَمٍ ابْتَدَاها ، وَسُبُوغِ آلاءٍ أَسْداها ، وَتَمامِ مِنَنٍ والاها .. جَمَّ عَنِ الإِحْصاءِ عَدَدُها ، وَنَأى عَنِ الْجَزاءِ أَمَدُها ، وَتَفاوَتَ عَنِ الإِدْراكِ أَبَدُها ، وَنَدَبَهُمْ لاسْتِزادَتِها بِالشُّكْرِ لاتِّصَالِها، وَاسْتَحْمَدَ إِلى الخَلائِقِ بِإِجْزالِها ، وَثَنّى بِالنَّدْبِ إِلى أَمْثالِها .

وَأَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ ؛ كَلِمَةً جَعَلَ الإِخْلاصَ تَأْويلَها ، وَضَمَّنَ القُلُوبَ مَوْصُولَها ، وَأَنارَ فِي الْفِكرهِ مَعْقُولَها .. المُمْتَنِعُ مِنَ الأَبْصارِ رُؤْيَتُهُ ، وَمِنَ الأَلْسُنِ صِفَتُهُ ، وَمِنَ الأَوْهامِ كَيفِيَّتُهُ .. ابْتَدَعَ الأَشْياءَ لا مِنْ شَيءٍ كانَ قَبْلَها ، وَأَنْشَأَها بِلا احْتِذاءِ أَمْثِلَةٍ امْتَثَلَها ، كَوَّنَها بِقُدْرَتِهِ ، وَ ذَرَأَها بِمَشِيَّتِه ، مِنْ غَيْرِ حاجَةٍ مِنْهُ إِلى تَكْوِينِها ، وَلا فائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْويرِها ، إِلاّ تَثْبِيتاً لِحِكْمَتِهِ ، وَتَنبِيهاً عَلى طَاعَتِهِ ، وَإِظهاراً لِقُدرَتِهِ ، وَتَعَبُّداً

حمد و ستایش پروردگاری را که نعم بی پایانش همه ی موجودات را فراگرفته به اشباح بی رنگ صحرای عدم ، رنگ وجود بخشیده و به نیستی و کتم عدم لباس هستی پوشانده است .

سپاس خدای را که با الهامات خفیه درس شکرگزاری به ما آموخت و ما را موظّف به حمد و ثنای خود فرمود .

خدای را تقدیس می کنم که از هر کس بخشنده تر است به همه نعمت وجود ارزانی داشته ، امّا کیست که بتواند بخشایش او را برشمارد ، و کدام نیرو است که آغاز و انجام نعم وی را بداند .

گواهی می دهم که آفریننده ای است قبل از هر چیز بوده و پس از هر چیز خواهد بود منبع فیض لا-یزالی جودش چون ابر ، ریزنده و بخشنده است ، و تا ابد ظروف اندیشه و افکار از فیضان لایتناهی او بهره و نصیب می گیرند ، ابر رحمت بی حسابش دائم در ریزش و بارش است .

پروردگاری که فرمان داد به شکرگزاری نعماتش را بزرگ شمارند .

گواهی می دهم خدائی جز او نیست ، این شهادت آمیخته به اخلاص است که معانی و تأویل آن در دل ها گنجانیده شده و مدرکات به تصوّر محسوسات روشن و آشکار گشته است .

او پروردگاری است که چشم ها نیروی دیدن او را ندارند و زبان ها از وصف بیان او عاجزند ساحت عزّتش را اوهام درک نکنند و مقام ذاتش را عقول در نیابند .

او خالقی است که موجودات را بدون مادّه پدید آورد و روی خرابه های وجود نقش و نگار بدیع موجود نمود و چهره را بدون مثل و مانند تصویر و ایجاد فرمود . او به مشیّت و اراده ی خود به عدم خلعت وجود پوشانید بدون آنکه نیازی به

موجود داشته باشد یا فایده و نتیجه ای در تصویر منظور دارد .

او به حکمت و مصلحت خود خلایق را آفرید و بر اطاعت و عبادت خویش آگاه و موظّف ساخت تا در ایجاد خلایق و تبدیل مادّه به نیرو در آزمایشگاه جهان

ص: ۱۴

لِبَرِیَّتِهِ ، وَ إعْزازاً لِدَعْوتِهِ ..

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوابَ عَلى طَاعَتِهِ ، وَوَضَعَ العِقابَ عَلى مَعْصِیَتِهِ ، زِیادَهً لِعبادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ ، وَحِیاشَهً مِنْهُ إلی جَنَّتِهِ .

وَأَشهَدُ أَنَّ أَبی مُحَمّداً [صلی الله علیه و آله وسلم] عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ؛ اخْتارَهُ وَانْتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ ، وَسَمّاهُ قَبْلَ أَنِ اجْتَبَلهُ ، وَاصْطَفاهُ قَبْلَ أَنِ ابْتَعَثَهُ ؛ إذِ الخَلائِقُ بِالغَیْبِ مَکنُونَهٌ ، وَبِستْرِ الأَهاوِیلِ مَصُونَهٌ ، وَبِنِهَایَهِ الْعَدَمِ مَقْرُونَهٌ .. عِلْماً مِنَ اللَّهِ تَعَالی بِمَآیلِ الأُمُورِ ، وَإِحاطَهً بِحَوادِثِ الدُّهُورِ ، وَمَعْرِفَهً بِمَواقعِ المَقدورِ .

ابْتَعَثَهُ اللَّهُ تعالی إتْماماً لاِءَمْرِهِ ، وَعَزِیمَهً عَلی إمْضاءِ حُکْمِهِ ، وَإِنفاذاً لِمَقَادِیرِ حَتْمِهِ ، فَرَأَی الأُمَمَ فِرَقاً فِی أَدْیانِها ، عُکَّفاً عَلی نِیرانِها ، عَابِدَهً لاِءَوْثانِها ، مُنْکِرَهً لِلَّهِ مَعَ عِرْفانِها ..

فَأَنَارَ اللّهُ بِمُحَمَّدٍ[صلی الله علیه و آله وسلم] ظُلَمَها ، وکَشَفَ عَنْ الْقُلُوبِ بُهَمَها ، وَجَلاـ عَنْ الأَبْصارِ غُمَمَها ، وَقامَ فِی النَّاسِ بِالْهِدایَهِ ، وَأَنْقَذَهُم مِنَ الغَوایَهِ ، وَبَصَّرَهُمْ مِنَ العَمایَهِ ، وَهَداهُمْ إلی الدِّینِ القَوِیمِ ، وَدَعَاهُمْ إلی الطَّرِیقِ المُسْتَقِیمِ ..

ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إلَیْهِ قَبْضَ رَأْفَهٍ وَاخْتِیارٍ ، وَرَغْبَهٍ وَإِیثارٍ ..

بِمُحَمَّدٍ[صلی الله علیه و آله وسلم] عَنْ تَعَبِ هذِهِ الدّارِ فِی رَاحَهٍ، قَدْ حُفَّ بِالْمَلائکَهِ الأَبْرارِ ، وَرِضْوانِ الرَّبِّ الغَفَّارِ ، وَمُجاوَرَهِ المَلِکِ الجَبّارِ .

قدرت لایزالی خود را آشکار نماید .

او بنـدگان را به عبـادت دعوت فرمود تـا به عبودیّت آنها را مسـتوجب پاداش گردانـد ، او ثواب را مبتنی بر اطاعت و عقاب را منوط به معصیت قرار داد .

او آزادی عمل داد تا بدکاران را به جهنّم کیفر دهد و نیکوکاران را به بهشت پاداش عطا فرماید .

گواهی می دهم که پـدرم محمّد صـلی الله علیه و آله بنده و رسول و منتخب پروردگار است ، خداوند عالم او را برگزید پیش از آنکه رسـالت دهـد و او را نـام نهاد قبل از آنکه بیافرینـد و او را انتخاب کرد پیش از آنکه مبعوث به رسالت گردانـد ، او را آفرید وقتی که همه مخلوقات در سرادق غیبی و در کتم عدم بودند و در ظلمات نیستی به سر می بردند .

خداوند او را به کلیّه مصالح عالیه نظام زندگی بشـر و به کلیّه حوادث و سوانح و به همه ی وقایع و حقایق آگاه و واقف فرمود ، آنگـاه برای اتمـام امر خود برانگیخت و مـأمور انفـاذ حکمت عـالیه خود فرمود در حـالی که مردم در ادیان و عقایـد مختلف بودند ، گروهی آتش پرست و جمعی بُت پرست و منکر خداوند بودند .

خداونـد به نـور وجـود محمّـد صـلی الله علیه و آله تـاریکی هـای جهـالت را از دل هـا زدود و شـبهات قلوب را به اشـراقات و افاضات تعلیمات عالیه او برطرف ساخت و نابینائی دل ها را به نور دانش منوّر گردانید .

پـدرم به امر حقّ برای راهنمـائی و هـدایت و ارشـاد خلایـق قیـام نمود و گمراهان را از گرداب ضـلالت و جهالت نجات داد و تیرگی دل ها را به نور ایمان روشن نمود و آنها را به دین اسلام دعوت کرد و به راه راست دلالت فرمود .

آنگاه حضرت حقّ جلّ شأنه روح مقدّس او را به رأفت و رحمت به قرب خود قبض و اختیار نمود و آخرت را برای او برگزید و پدرم محمّد صلی الله علیه و آله را از رنج و تعب دنیا آسوده ساخت .

ص: ۱۶

آنگاه فرشتگان ملأ اعلا به استقبال اطراف او را گرفتند و رضا و خشنودی پروردگار را به او ابلاغ نمودند تا در مجاورت خالق جبّار وصول قرب یافت .

ص: ۱۷

صَلّى اللَّهُ عَلى أَبى نَبِيِّهِ وَأَمِينِهِ عَلَى الْوَحْيِ ، وَصَفِيِّهِ وَخِيَرَتِهِ مِنَ الخَلْقِ وَرَضِيِّهِ ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ .

ثمّ التفتت إلى أهل المجلس وقالت :

أَنتُمْ عِبادَ اللَّهِ نُصْبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ ، وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ ، وَأُمَناءُ اللَّهِ عَلى أَنْفُسِكُم ، وَبُلَغاؤُهُ إِلَى الأُمَمِ ، وَزَعَمْتُمْ حَقٌّ لَكُمْ ، لِلَّهِ فيكُمْ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ ، وَبَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَها عَلَيْكُمْ ، كِتابُ اللَّهِ الناطِقُ ، وَالقُرآنُ الصَّادِقُ ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ ، وَالضِّياءُ اللاَّمِعُ .. بَيِّنَةٌ بَصائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرائِرُه، مُتَجَلِّيَةٌ ظَواهِرُهُ، مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشياعُهُ، قائِدٌ إِلَى الرِّضْوانِ اتِّباعُهُ ، مُؤَدٍّ إِلَى النَّجاهِ إِسْماعُهُ .. بِهِ تُنالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَهُ ، وَعَزائِمُهُ المُفَسَّرَهُ ، وَمَحارِمُهُ المُحَذَّرَهُ ، وَبَيِّناتُهُ الجالِيهُ ، وَبَراهِينُهُ الْكافِيهُ ، وَفَضائِلُهُ الْمَنْدُوبَهُ ، وَرُخَصُهُ المَوْهُوبَهُ ، وَشَرايِعُهُ الْمَكتُوبَهُ ..

فَجَعَلَ اللَّهُ الإِيمانَ ؛ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ ،

وَالصَّلاهَ ؛ تَنزِيهاً لَكُمْ عَنِ الكِبْرِ ،

وَالزَّكاهَ ؛ تَزكِيَهً لِلنَّفْسِ ، وَنَماءًا فِى الرِّزْقِ ،

وَالصِّيامَ ؛ تَثْبِيتاً لِلإِخْلاصِ ،

وَالحَجَّ ؛ تَشْيِيداً لِلدِّينِ ،

درود و تحیّت خدا بر پدرم محمّد صلی الله علیه و آله که فرستاده او و امین وحی او و برگزیده او و بهترین بندگان الهی بود . سلام و رحمت و لطف خدا بر او باد .

آنگاه به سوی مردم التفاتی نمود و فرمود :

شما بندگان خدا و محلّ و مورد اوامر و نواهی پروردگار هستید ، شما حامل دین و وحی او می باشید ، شما بر نفس و جان خود امین خداوند هستید، شما هستید که باید به دین خدا عمل نموده و به دیگران ابلاغ نمایید و سرمشق دیگران باشید .

خداوند در میان شما ضامن بر حقّی قرار داد و عهد و پیمانی به وسیله ی پیغمبر خاتم بر شما فرستاد و بعد از او دو خلیفه و جانشین بر شما بگماشت که آنها کتاب ناطق و کتاب صامت الهی هستند ، انوار ارشاد ربوبی و هدایت آنها مشعشع و پرتوافکن است و شما را به سوی حق رهبری می نماید و دیدگان شما را روشن می گرداند .

سرایر قرآن بر شما پوشیده و ظواهر آن متجلّی و آشکار می باشد ، ملل دیگر به پیروان قرآن غبطه می خورند و حسرت می برند ، پیروی قرآن شما را به رضای خدا سوق می دهد و استماع آن شما را به نجات و سعادت می رساند ، به وسیله قرآن نشانه ها و آیات قدرت الهی درک می گردد و احکام شریعت از حلال و حرام دریافت می شود .

از محرمات باید حذر نمود و اجتناب ورزید ، دلائل قرآن روشن و براهین آن کافی می باشد ، پیروان قرآن به فضائل معنوی نائل خواهند شد .

خداوند برای تسهیل ، احکام مباح قرآن را بخشیده و احکام واجب آن را فرض و حتم فرموده است .

پروردگار ایمان را باعث تطهیر و پاکیزگی از شرک ؛

نماز را برای تنزیه دل ها از کبر و نخوت ؛

زکات را برای تزکیه نفس و مال و افزونی روزی ؛

روزه را برای ثبات و تحقّق در اخلاص ؛

حجّ را برای تشیید و تحکیم مبانی دین و اعلاء کلمه ی توحید ؛

ص: ۲۰

وَالعَدْلَ ؛ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ ،

وَطَاعَتَنا ؛ نِظاماً لِلْمِلَّهِ ،

وَإِمامَتَنا ؛ أَمَـاناً مِنَ الفُرْقَهِ ،

وَالجِهادَ ؛ عِزّاً لِلإِسْلامِ ،

وَالصَّبرَ ؛ مَعُونَهً عَلى اسْتِيجابِ الأَجْرِ ،

وَالأَمْرَ بالْمَعْرُوفِ ؛ مَصْلَحَهً لِلعامَّهِ ،

وَبِرَّ الوَالِدَيْنِ ؛ وِقايَهً مِنَ السَّخَطِ ،

وَصِلَهَ الأَرْحامِ ؛ مَنْماهً لِلعَدَدِ ،

وَالقِصاصَ ؛ حَقْناً لِلدِّماءِ ،

وَالوَفَاءَ بِالنّذْرِ ؛ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفرَهِ ،

وَتَوفِيَهَ المَكاييلِ وَالمَوَازِينِ ؛ تَغييراً لِلْبَخْسِ ،

وَالنَّهىَ عَنْ شُرْبِ الخَمْرِ ؛ تَنزِيهاً عَنِ الرِّجْسِ ،

وَاجْتِنابَ القَذْفِ ؛ حِجاباً عَنِ اللَّعْنَهِ ،

وَتَرْكَ السَّرِقَهِ ؛ إيجاباً لِلعِفَّهِ ..

وَحَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ ؛ إِخْلاصـاً لَهُ بـالرُّبُوبِيَّهِ ، فَـ« اتَّقُـوا اللّه َحَقَّ تُقَـاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إلاّ وَأَنْتُمْ مُّسْـلِمُونَ »(۱) ، وَأَطِيعُـوا اللّه َفِيما أَمَرَكُمْ

۱- ۱ . سوره ی آل عمران (۳) ، آیه ی ۱۰۲ .

عدل را برای تألیف قلوب ؛

اطاعت ما خاندان را برای حسن انتظام امور اجتماعی ؛

امامت ما اهل بیت را برای ایمنی از اختلاف و تفرقه ؛

جهاد را برای عزّت و سربلندی ملّت اسلام ؛

صبر و شکیبائی را برای استحقاق اجر ؛

امر به معروف را برای مصالح عامّه مردم ؛

نیکی به والدین را برای مصونیّت از غضب خود قرار داده است ؛

خداوند صله رحم را برای پیوستگی و وحدت ؛

قصاص را برای حفظ جان ها ؛

وفای به نذر را برای رسیدن به مغفرت و آمرزش ؛

تمام پیمودن کیل و وزن را برای اعتماد و حفظ اموال از نقص و زیان ؛

نهی از شرب خمر را برای دوری از رجس و پلیدی ؛

اجتناب از بهتان را برای مصونیّت از لعنت ؛

ترک دزدی را برای حصول امنیّت اجتماعی ؛

ترک شرک را برای خلوص عبودیّت مقرّر فرموده است .

« پس ای مردم از خدا بترسید و پرهیزکار واقعی باشید تا از دنیا نروید مگر آنکه در زمره ی مسلمانان قرار گیرید » .

ای مردم آنچه خداوند به شما امر کرده اطاعت کنید و از آنچه نهی فرموده

بِهِ وَنهاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ : « إِنَّمَا يَخْشَى اللّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ »(۱) .

ثمّ قالت :

أَيُّهَا النَّاسُ ! اعْلَموا أَنّى فَاطِمَةُ وَأَبى مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله وسلم ، أَقُولُ عَوْداً وَبَدْءاً ، وَلاَ أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطاً ، وَلاَ أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطاً : « لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ »(۲)، فَإِنْ تَعزُوهُ وَتَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبى دُونَ نِسائِكُمْ ، وَأَخا ابْنِ عَمّى دُونَ رِجالِكُمْ .. وَلَنِعْمَ المَعْزِيُّ إِلَيهِ صلى الله عليه و آله وسلم ، فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ ، صَادِعاً بِالنِّذارَهِ ، مَائِلاً عَنْ مَدْرَجَهِ المُشرِكِينَ ، ضَارِباً ثَبَجَهُمْ ، آخِذاً بِأَكْظامِهِمْ ، دَاعِياً إِلى سَبيلِ رَبِّهِ بِالحِكمَهِ وَالمَوعِظَهِ الحَسَنَهِ ، يَكْسِرُ الأَصْنامَ ، وَيَنْكُثُ الْهامَ ، حَتّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَوَلَّوا الدُّبُرَ ، حَتّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ ، وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ ، وَخَرِسَت شَقَاشِقُ الشَّياطِينِ ، وَطَاحَ وَشِيظُ النِّفاقِ ، وَانْحَلَّتْ عُقَدُ الكُفْرِ وَالشِّقَاقِ ، وفُهْتُم بِكَلِمَهِ الإِخْلاصِ ، فِينَفرٍ مِنَ البِيضِ الخِماصِ ، « وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَهٍ مِّنَ النَّارِ .. »۳، مُذْقَهَ الشّارِبِ ؛ وَنُهْزَهَ الطّامِعِ ، وقَبْسَهَ

۱- ۱ . سوره فاطر (۳۵) : ۲۸ .

۲- ۲ . سوره التوبه (۹) : ۱۲۸ . ۳ . سوره آل عمران (۳) : ۱۰۳ .

اجتناب نمایید ، که « در میان بندگان خدا تنها دانشمندان از خدا ترسانند » .

سپس فرمود :

ای مردم بدانید من فاطمه زهرا هستم و پدرم محمّد صلی الله علیه و آله پیغمبر خدا می باشد آنچه اوّل گفتم آخر هم همان سخن را می گویم و آنچه می گویم حساب شده می گویم و اشتباه نمی گویم .

ای مردم آنچه می گویم براساس حقّ و عدالت است ، خداوند برای شما پیغمبر از جنس خودتان فرستاد که سختی ها و نابسامانی های شما بر او دشوار و به هدایت و ارشاد شما کوشا و بر مؤمنین رؤف و مهربان می باشد ، اگر او را به بزرگی یاد کنید و نسبت او را متذکّر گردید او پدر من بود نه پدر زنان دیگر ، و او برادر پسر عمّ من بود نه برادر مردان دیگر ، چه بزرگوار است آنکه من نسبت به او دارم ، رحمت خدا بر او باد که فرمان خدا را به بندگان رسانید و رسالت خود را آشکار کرد ،

او با مشرکین مبارزه و معارضه نمود و آنها را به دین حنیف اسلام راهنمایی کرد به سعادت نائل گردانید و با حکمت و موعظت و پند و اندرز گمراهان را به راه خوشبختی سوق داد و بُت ها را درهم فروکوفت و بُت پرستان را به خاک مذلّت افکند تا بر شما پشت کرده و گریختند و نابود شدند و مانند صبح صادق تاریکی های شب جهالت ناپدید شد و چهره زیبای حقّ از پس پرده های جهل و تاریکی نمایان گردید و بر مسند ارشاد و هدایت تکیه زد و زبان فرومایگان و دشمنان دین را لال گردانید .

او نفاق و دو روئی را از بین شما برد و گره های کفر و عناد را از هم گُسست و شما را با توحید و یکتاپرستی آشنا نمود ، « شما بودید که در پرتگاه آتش قرار

داشتید » و از کمی و قلّت مانند شربت آبی بودید که تشنه ای بیاشامد و لقمه ای که العَجْلانِ ، وَمَوْطِی ءَ الأقْدامِ ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ ، وَتَقْتَاتُونَ الوَرَقَ ، أَذِلَّهً خاسِئِينَ .. تَخافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النّاسُ مِنْ حولِكُم ..

فَأَنْقَذَكُمُ اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالی ، بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وسلم .. بَعْدَ اللَّتيّا وَالَّتی ، وَبَعْدَ أَنْ مُنِیَ بِبُهَمِ الرِّجالِ ، وَ ذُؤْبانِ العَرَبِ ، وَمَرَدَهِ أَهْلِ الْكِتَابِ : « كُلَّمَآ أَوْقَدُوا نَاراً لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللّه »(۱) ، أَوْ نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّيْطانِ ، وَفَغَرَتْ فَاغِرَهٌ مِنَ المُشْرِكِينَ .. قَذَفَ أَخَاهُ فِی لَهَواتِها ، فَلا يَنْكَفِی ءُ حَتَّی يَطَأَ صِماخَها بِأَخْمَصِهِ ، وَيُخْمِدَ لَهَبَها بِسَيْفِهِ .. مَكْدُوداً فِی ذاتِ اللَّهِ ، وَمُجْتَهِداً فِی أَمْرِ اللّهِ ، قَريباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدَ أوْلياءِ اللَّهِ ، مُشَمِّراً نَاصِحاً ، مُجِدّاً كَادِحاً.. وَأَنْتُمْ فِی رَفاهِيَهٍ مِنَ العَيْشِ ، وَادِعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوائِرَ ، وَتَتَوَكَّفُونَ الأخْبارَ ، وَتَنْكُصُونَ عِندَ النِّزالِ ، وَتَفِرُّونَ عِنْدَ القِتَالِ . فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنبيائِهِ ، وَمأْوَی أَصْفِيائِهِ ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسيكَهُ النِّفاقِ ، وَسَمَلَ جِلْبابُ الدِّينِ ، وَنَطَقَ كَاظِمُ الغَاوِينَ ، وَنَبَغَ خَامِلُ الأَقَلّينَ ، وَهَدَرَ فَنِيقُ المُبْطِلِينَ ، فَخَطَرَ فِی عَرَصَاتِكُمْ ، وَأَطْلَعَ الشَّيْطانُ رَأسَهُ مِنْ مَغْرِزِهِ هَاتِفاً بِكُمْ ، فَأَلْفاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجيبينَ ، ولِلْغِرّهِ فِيهِ

۱- ۱ . سوره المائده (۵) : ۶۴ .

گرسنه ای به آن دست یابد و یا پاره آتشی که با شتاب رو به خاموشی گراید .

شما لگدکوب مردم قوی و دستخوش تمایلات نابخردان نیرومند بودید ، آب متعفّن را می آشامیدید و برگ درختان را پوشش و غذای خود قرار داده بودید و در نهایت خواری و مذلّت به زندگی ادامه می دادید و همیشه در بیم آن بودید که کدام دسته ی متخاصم شما را نابود نماید .

خداوند تبارک و تعالی به وجود مقدّس محمّد صلی الله علیه و آله شما را از این نابسامانی و مذلّت نجات داد و آسودگی بخشید بعد از آنکه در دست شجعان عرب و گرگان بیابان جهالت سرگردان و در نزد اهل کتاب زبون و خوار بودید ، « هر زمان که آنها آتش جنگ می افروختند خداوند (به دست پدرم) آن را خاموش می فرمود » و هرگاه ستاره وسوسه شیطان صفتان ظاهر می گردید و فتنه ای برپا می شد و آتش انقلاب روشن می گردید پدرم برادرش علی را برای خاموش کردن فتنه می فرستاد و او برنمی گشت جز اینکه آتش جنگ را فرو می نشاند و سر دشمن را زیر پا می نهاد او بود که برای رضای خدا و اطاعت امر پیغمبر صلی الله علیه و آله اهتمام تمام داشت و همیشه سایه صفت پشت سر پیغمبر خدا بود و در میان دوستان خدا از همه بالاتر و والاتر بود و در اطاعت و اجرای امر خدا کوشش فراوان می نمود تا شما در آسایش به سر برید و در مهد ایمنی متنعّم باشید .

امّا شما برای ما خاندان انتظار بلاها و فتنه ها داشتید و منتظر اخبار وحشتناک بودید ، به هنگام سختی خود را کنار کشیدید و دوری نمودید و از معرکه گریختید .

هنگامی که پروردگار متعال منزل و منزلت پیغمبران را برای پدرم اختیار فرمود و آرامگاه برگزیدگانش را برای او انتخاب نمود ، در میان شما خار نفاق ظاهر شد و جامه ی دین کهنه گردید ، گمراهان به سخن درآمدند و گمنام های پستْ قدر و منزلت یافتند .

ص: ۲۶

و مرکب جهالت را در میدان بطالت دوانیدند و شیطان از کمینگاه ظاهر شد و به وساوس خود شما را بفریفت و شما او را اجابت کردید و چشم به دنیا و متاع آن

ص: ۲۷

مُلاحِظِينَ ، ثُمَّ استَنْهَضَكم فَوَجدَكُم خِفافاً ، وَأحْمَشَكَمْ فَأَلْفاكُمْ غِضاباً ، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إبِلِكَمْ ، وَأوْرَدْتُمْ غَيْرَ شِربِكَمْ .

هَذا ؛ وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ ، وَالْكَلْمُ رَحيبٌ ، وَالجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلْ ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرْ ، ابْتِداراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الفِتْنَهِ ! « ألَا فی الْفِتْنَهِ سَقَطُوا وَإنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَهٌ بِالْكَافِرِينَ »(۱) .

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ ! وَكَيْفَ بِكُمْ ؟ ! وَأنَّی تُؤْفَكُونَ ؟ وَكِتَابُ اللّه بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ ، أُمُورُهُ ظَاهِرَهٌ ، وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَهٌ ، وَأَعْلامُهُ بَاهِرَهٌ وَزَوَاجِرُهُ لائِحَهٌ ، وَأَوامِرُهُ وَاضِحَهٌ ، قَدْ خَلَّفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ، أَ رَغْبَهً عَنْهُ تُرِيدُونَ ؟ .. أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ ؟ ! « بِئْسَ لِلْظَّالِمِينَ بَدَلاً »(۲) ، « وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فی الآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرِينَ »(۳) .

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إلاَّ رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتُهَا ، وَيَسْلَسَ قِيادُهَا ، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَقْدَتَها ، وَ تُهَيِّجُونَ جَمْرَتَها ، وَتَسْتَجِيبُونَ لِهُتَافِ الشَّيْطَانِ الغَوِيِّ ، وَإِطْفاءِ أَنْوارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ ، وَإهْمَادِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفيِّ ، تُسِرُّونَ حَصْواً فِی ارْتِغَاءٍ ، وَتَمشُونَ لِاَهْلِهِ وَوُلْدِهِ فِی

۱- ۱ . سوره التوبه (۹) : ۴۹ .

۲- ۲ . سوره الکهف (۱۸) : ۵۰ .

۳- ۳ . سوره آل عمران (۳) : ۸۵ .

دوختید و اسیر هوای نفس شدید و علیه خاندان پیغمبر به مبارزه برخاستید تا آنجا که بر شتر غیرپا نهادید و در آبخورگاه دیگران وارد شدید و مرکب خلافت را غصب نمودید .

ای مردم هنوز از درگذشت رسول خدا زمانی نگذشته و هنوز داغ او تازه است ، هنوز زخم دل ما التیام نیافته است ، هنوز جسد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در خاک قرار نگرفته بهانه کردید که از فتنه می ترسیم و « در آن فتنه که با دست خود ایجاد نمودید گرفتار شدید و جهنّم بر کافران احاطه خواهد داشت » .

افسوس بر شما که به گمراهی کشانده شدید در حالی که کتاب خدا در میان شماست ، احکام فروزان قرآن نشانه های آشکاری دارد و در هر امری حکمی نازل شده است و دانستنی های آن از اوامر و نواهی واضح و آشکار می باشد .

شما آیات روشن الهی را پشت سر نهاده اید و آنها را نادیده گرفته اید ، آیا از قرآن اعراض نموده اید و یا حاکمی غیر از قرآن می جویید ؟ « بد پاداشی بر ستمکاران است که فرمان خدا را تغییر دهند » و از دستورات قرآن سرپیچی نمایند ، « هر کس دینی غیر از اسلام اختیار نماید خداوند از او نمی پذیرد و در آخرت در پیشگاه خدا و دیوان محاسبات او زیانکار خواهد بود » .

ای مردم شما پس از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله اندکی درنگ نکردید و در کار خود نیندیشیدید و آتش فتنه و فساد برافروختید و صدای شیطان گمراه کننده را اجابت نمودید و انوار دین را خاموش گردانیدید و سنّت های پیغمبر صلی الله علیه و آله را محو نمودید و خوشحال هستید که در رفاه و آسایش به سر می برید و خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله را در شدّت و سختی گرفتار می نمایید .

الخَمرِ والضَّرَاءِ ، وَنَصْبِرُ مِنكَم عَلى مِثلِ حَزِّ الْمُدى ، وَوَخْزِ السِّنانِ فِى الْحَشا ؛ وَأَنتُم تَزْعُمُون : أَنْ لا إِرثَ لَنا ! ! « أَفَحُكْمَ الْجاهِلِيَّهِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّه ِ حُكْماً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ »(١) أَفلا تَعلَمون ؟ !

بَلى ؛ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَهِ أنِّى ابْنَتُهُ ..

أَيُّها الْمُسلِمُون ! أَأُغْلَبُ عَلى إرثِيَهْ ؟ !

يَابْنَ أَبِى قُحافَهَ ! أَفِى كِتابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَباكَ وَلاَ أَرِثَ أَبِى ؟ ! « لَقَدْ جِئْتَ شَيْئاً فَرِيّاً »(٢) !

أَفَعَلى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللّهِ وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ؟ إِذْ يَقُولُ : « وَوَرِثَ سُلَيْمانُ دَاوُدَ »(٣) .

وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيّا عليهماالسلام إِذْ قَالَ ربِّ « هَبْ لى مِن لَّدُنْكَ وَلِيّاً يَرِثُنِى وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ »(۴) .

وَقَالَ : « وَأُولُواْ الاْءَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فى كِتابِ اللّه ِ »(۵) .

ص: ٣٠

١- ١ . سوره المائده : ۵٠ .

٢- ٢ . سوره مريم (١٩) : ٢٧ .

٣- ٣ . سوره النمل (٣٧) : ١۶ .

۴- ۴ . سوره مريم (١٩) : ۵ _ ۶ .

۵- ۵ . سوره الأحزاب (٣٣) : ۶٠ .

ما هم مانند کسی که با کارد و نیزه بدن او را بشکافند بر فتنه های شما صبر می کنیم تا در پیشگاه عدالت پروردگار وارد شویم .

شما گمان می کنید من از پدرم ارث نمی برم « این حکم را از دوران جاهلیّت گرفته اید چه کسی بهتر از خداوند حکم می نماید امّا برای کسانی که ایمان به خدا دارند » ، آیا نمی دانید که روز پاداشی هست .

ای مردم مانند آفتاب بر شما روشن است که من یگانه دختر پیغمبر خدا هستم و محمّد صلی الله علیه و آله پدر من است آیا سزاوار است که جاه طلبان بر من ستم نمایند وارث مرا بگیرند و شما ساکت بمانید .

آنگاه خطاب به ابوبکر نمود و فرمود :

ای پسر ابی قحافه آیا در کتاب خدا نوشته شده که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم ؟ « عجب افترای بزرگی بر خدا بسته ای » آیا از روی عمد کتاب خدا را پشت سر نهاده ای و عمل به آن را ترک نموده ای ؟

خداوند در قرآن می فرماید که « سلیمان از داود ارث بُرد »

و آنجا که حکایت یحیی فرزند زکریّا را بیان می فرماید که زکریّا از خداوند درخواست نمود ای پروردگار « فرزندی به من عنایت فرما که از من و آل یعقوب ارث ببرد »

و آنجا که می فرماید : « خویشان رحمی بعضی بر بعضی مقدّم می باشند »

وَقالَ : « يُوصِيكَمُ اللهُ فى أَوْلادِكُمْ لِلذَّكرِ مِثْلُ حَظِّ الاْءُنْثَيَيْنِ »(۱)۴ . سوره الزمر (۳۹) : ۳۹ _ ۴۰ .(۲) .

وَقالَ : « إِنْ تَرَکَ خَيْراً الْوَصِيَّهُ لِلْوالِدَيْنِ وَالاْءَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَلَى الْمُتَّقينَ »(۳) .

وَزَعَمْتُمْ أَلّا حِظْوَهَ لِی وَلا إِرْثَ مِنْ أَبی [صلی الله علیه و آله وسلم]؟ ! وَلَا رَحِمَ بَيْنَنا ! أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَهٍ أخرَجَ مِنْهَا أَبى صلی الله علیه و آله وسلم ؟ ! أَمْ هَلْ تَقُولُونَ : أَهْلُ مِلَّتيْنِ لَا يَتَوارَثانِ ؟!

أَوَ لَسْتُ أَنَا وأَبی مِنْ أَهْلِ مِلَّهٍ وَاحِدَهٍ ؟ ! أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ القُرآنِ وَعُمُومِهِ مِنْ أَبى وَابْنِ عَمِّی ؟ ! فَدُونَكُما مَخْطُوْمَهً مَرْحُولَهً ، تَلْقاکَ يَوْمَ حَشْرِکَ فَنِعْمَ الحَكَمُ اللَّهُ ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله وسلم وَالْمَوْعِدُ القِيامهُ ، وَعِنْدَ السَّاعَهِ مَا تَخْسرُونَ ، وَلَا يَنْفَعُكُم إِذْ تَنْدَمُونَ ، وَ « لِكلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ »(۴) و « سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأتِيهِ عَذابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذابٌ مُقيمٌ »(۴) .

.. ثُمّ رمت بطرفها نحو الأنصار ، فقالت :

يَا مَعاشِرَ الفِتْيَهِ وَأَعْضادَ الْمِلَّهِ ، وَأنْصارَ الإِسْلامِ ! مَا هٰذِهِ

۱- ۱ . سوره النساء

۲- : ۱۱ .

۳- ۲ . سوره البقره (۲) : ۱۸۰ .

۴- ۳ . سوره الأنعام (۶) : ۶۷ .

همچنین می فرمایـد که « خداوند شـما را درباره ی اولادتان وصـیّت می کند که نصـیب یک مرد دو برابر بهره ی یک زن می باشد » و پسر دو برابر دختر ارث می برد و همچنین خداوند می فرماید « که هنگام مرگ اگر مال و ثروتی از خود می گذارید وصیّت کنید برای پدر و مادر و خویشان وصیّت نیکویی و این حکم بر حقّ و ثابت است بر آنهائی که پرهیزکار هستند » .

آیا شما می گویید من از پدرم بهره و نصیبی ندارم و از پدر خود ارث نمی برم آیا خداوند برای شما آیه ای فرستاده که مرا از فرزنـدی پـدرم خـارج کرده ؟! یا می گوییـد اهل دو ملّت از یکـدیگر ارث نمی برنـد آیا من و پـدرم از اهل یک ملّت و آیین نیستیم ؟! آیا شما از پدرم و پسر عمّم علی به قرآن داناتر هستید ؟!

من اکنون شـما را به حـال خود گذاشـته و داوری را در روز حشـر به خـدا واگـذار می نمایم و خداونـد حاکم بر حقّی است و بدانیـد محمّـد صـلی الله علیـه و آلـه دادخـواه من است وعـده ی مـا در قیـامت در پیشـگاه عـدل الهی خواهـد بـود ، روزی که خطاکاران در زیان هسـتند و نـدامت در آن روز سودی نـدهـد « برای هبر خبری جایگاهی هست » ؛ « و به زودی می فهمید که عذاب خوارکننده چه کسی را فراخواهد گرفت و عذاب جاودانی بر چه کسی می باشد » .

سپس انصار را مخاطب قرار داد و فرمود :

ای یاوران اسلام و حافظین حدود و احکام قرآن این چه سُستی است در حق من روا می دارید ؟!

ص: ۳۳

الغَمِيزَهُ فِی حقِّی، وَالسِّنَهُ عَنْ ظُلاَمَتِی ؟! أَمَا كَانَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله وسلم أَبی یَقُولُ : «الْمَرْءُ یُحْفَظُ فِی وُلْدِهِ» ، سَرْعانَ مَا أَحْدَثْتُمْ ، وَعَجْلاَنَ ذَا إِهالَهً ، وَلَكُمْ طَاقَهٌ بِمَا أُحاولُ ، وَقُوَّهٌ عَلَی مَا أَطْلُبُ وَأُزاولُ ، أَتَقُولُونَ : مَاتَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله وسلم .. ؟ ! فَخَطْبٌ جَلِیلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ ، وَاسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ ، وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ ، وَأَظْلَمَتِ الأَرْضُ لِغَیْبَتِهِ ، وَكُسِفَتِ النُّجُومُ لِمُصیبَتِهِ ، وَأَكْدَتِ الآمالُ ، وَخَشَعَتِ الجِبَالُ ، وَأُضِیعَ الحَرِیمُ ، وَأُزیلَتِ الْحُرْمَهُ عِنْدَ مَمَاتِهِ ، فَتِلْكَ ـ وَاللّهِ ـ النَّازِلَهُ الكُبری ، وَالْمُصِیبَهُ الْعُظْمی ، لاَ مِثْلُها نَازِلَهٌ ، وَلا بائِقَهٌ عاجِلَهٌ ، أَعْلَنَ بِها كِتَابُ اللّهِ جَلَّ ثَناؤُه فِی أَفْنِیتِكُم .. فِی مُمْساكُمْ وَمُصْبَحِكُمْ ، هُتَافاً وَصُراخاً ، وتِلاوَهً وأَلْحاناً ، وَلَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبیاءِ اللّهِ وَرُسُلِهِ ، حُكْمٌ فَصْلٌ ، وَقَضاءٌ حَتْمٌ « وَما مُحَمَّدٌ إلاّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلی أَعْقابِكُمْ وَمَنْ یَنْقَلِبْ عَلَی عَقِبَیْهِ فَلَنْ یَضُرَّ اللّه شَیْئاً وَسَیَجْزِی اللّه الشَّاكِرِینَ »(۱) .

أیْهاً بَنِی قَیْلَه ! أَأُهْضَمُ تُراثَ أَبِی وَأَنْتُمْ بِمرأیً مِنِّی وَمَسْمَعٍ ، ومُبْتَدٍ ومَجْمَعٍ ؟! تَلْبَسُكُمُ الدَّعْوَهُ ، وَتَشْمَلُكُمُ الخَبْرَهُ ، وَأَنْتُمْ

۱- ۱ . سوره آل عمران (۳) : ۱۴۴ .

این سـهل انگاری شـما در ظلم و ستمی که بر من رفته برای چیست ؟! آیا پدرم محمّد صلی الله علیه و آله رسول خدا نفرمود : هر کس را در فرزندش باید احترام نمود و احترام به فرزند احترام به پدر است ، امّا شما آنچه پدرم درباره ی من سفارش کرده بود چه زود فراموش نمودید ، شما قدرت دارید و می توانید از من حمایت کنید و آنچه از شما می خواهم بر آن توانا هستید ، آیا شما هم می گویید : دیگر محمّد صلی الله علیه و آله مرده است ؟

آری رحلت پیغمبر خدا صـلی الله علیه و آله مصیبت بزرگی است که اثر آن در زمین و آسمان ظاهر و آشکار می باشد ، برای رحلت پیغمبر صـلی الله علیه و آله زمین تاریک گردید و سـتاره های آسـمان از این مصیبت تیره گشت امیدها تبدیل به یأس و ناامیـدی شد و کوه های عالم خاشع گردید و شـما حقّ پیغمبر خدا را ضایع نمودید و احترامی به خاندان او نگذاشتید ، به خدا قسم این فاجعه بزرگی است که نازل شده و هرگز چنین مصیبتی به یاد نیاید و خداوند در کتاب خود از آن خبر داده است که شما آن را هر صبح و شام به جهر و اخفا می خوانید .

این سنّت ربوبی برای همه ی پیغمبران بوده است و این حکم حتمی و قطعی است قضائی غیرقابل انکار ، خداوند می فرماید : « محمّـد صـلی الله علیه و آله جز رسولی نبود و پیش از او هم پیغمبرانی آمـده و در گذشـته اند ، آیا اگر محمّد صـلی الله علیه و آله بمیرد یا کشته شود شما از دین برمی گردید ، هر کس از دین برگردد و به آئین گذشتگان خود بپیوندد به خداوند ضرری نمی رساند و به زودی خداوند جزای شکرگزاران را عطا می فرماید » .

آنگاه طایفه اوس و خزرج را به نام مادرشان مخاطب ساخته و فرمود :

ای فرزندان قیله ، آیا سـزاوار است که به ظلم و سـتم ارث مرا ببرند و شـما ناظر باشـید و دادخواهی مرا بشنوید و ساکت بمانید شما صاحب افراد و اعداد و صاحب

ص: ۳۶

ذا العَـدَدِ وَالعُـدَّهِ ، والأداهِ وَالقُوَّهِ ، وَعِنْـدَكُمُ السِّلاحُ وَالجُنَّهُ ، تُوَافِيكَمُ الـدَّعْوَهُ فَلَا تُجِيبُونَ ، وَتَأْتِيكَمُ الصَّرْخَهُ فَلَا تُغِيثُونَ ، وأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بالْكِفـاحِ ، مَعْرُوفُونَ بِالخَيْرِ وَالصَّلاَحِ ، والنُّجْبَهُ الَّتى انْتُجِبَتْ ، وَالخِيَرَهُ الَّتى اخْتِيرَتْ .. قَاتَلْتُمُ العَرَبَ ، وَ تَحَمَّلتُمُ الكَدَّ وَالتَّعَبَ ، وَنَاطَحْتُمُ الأُمَمَ ، وَكَافَحْتُمُ البُهَمَ ، فَلاَ نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتَمِرُونَ ..

حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الإِسْلام ، وَدَرَّ حَلَبُ الأَيَّامِ ، وَخَضَعَتْ ثُغْرَهُ الشِّرْكِ ، وَسَكَنَتْ فَوْرَهُ الإِفْكِ ، وَخَمَدَتْ نِيرانُ الكُفْرِ ، وَهَدَأَتْ دَعْوَهُ الهَرْجِ ، وَاسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ ، فَأَنّى حِرْتُمْ بَعْدَ البَيَانِ ؟ وَأَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الإِعْلانِ ، وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الإِقدامِ ، وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الإِيمانِ ؟ ..

« أَلاَ تُقَاتِلُونَ قَوْماً نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْراجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللّه أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » (1) .

أَلا قَدْ أَرى أَنْ قَدْ أَخلَدْتُمْ إِلَى الخَفْضِ ، وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالقَبْضِ ، وَخَلَوْتُمْ بِالدَّعهِ ، ونَجَوْتُمْ مِنَ الضِّيقِ بالسَّعَهِ

ص: ۳۷

۱- ۱ . سوره التوبه (۹) : ۱۳ .

نیرو و ادوات جنگ و اسلحه می باشید ، من شما را به یاری می طلبم و شما مرا اجابت نمی کنید و از شما استمداد می خواهم و شما به فریاد من نمی رسید ، در حالی که شما به شجاعت و دلاوری موصوف و به نیکویی و صلاح معروف بودید ، شما برگزیدگان مسلمانان بودید و به خوبی ها شهرت داشتید .

شما را برای مقاتله با کافران انتخاب می نمودند و شما گردنکشان را از پای در می آوردید و هرگز از ما خاندان دوری نمی کردید و آنچه به شما فرمان می دادیم اطاعت می نمودید تا چرخهای پر برکت اجتماع مسلمین به حرکت درآمد و نخوت و شرک و ذلّت و نفاق از میان رفت و آتش کفر و شرک خاموش شد و دعوت بُت پرستی و هرج و مرج نابود گشت و نظام دین محکم و استوار گردید .

اکنون چه شده که در یک امر آشکار حیران مانده اید و حقیقت را پنهان نموده اید و پس از اقبال چرا از حقّ رو گردانیده اید و پس از ایمان چرا مشرک شده اید .

« آیا جنگ و پیکار نمی کنید با کسانی که عهد خود را شکستند و سعی و اهتمام به بیرون کردن رسول خدا نمودند و حال آنکه آنها در شکستن عهد پیشقدم شدند آیا از ایشان می ترسید ؟ اگر مؤمن باشید سزاوار است که از خدا بترسید » .

اکنون می بینم که شما به پستی گرائیده اید و از نعم الهی محروم شده اید و از آن کس که احق و شایسته تر از شما می باشد دوری نموده اید و با راحتی و تن آسائی

فَمَجَجْتُمْ ما وَعَيْتُمْ ، وَدَسَعْتُمُ الَّذِى تَسَوَّغْتُمْ ، فَـ : « إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فى الْاَءرْضِ جَميعاً فَإِنَّ اللّه َلَغَنِىٌّ حَمِيدٌ »(١) .

أَلا ـ وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ عَلَى مَعْرِفَهٍ مِنِّى بِالْخَذْلَهِ الَّتِى خَامَرَتْكُمْ ، وَالْغَدْرَهِ الَّتِى اسْتَشْعَرتْهَا قُلُوبُكُمْ .. وَلَكِنَّها فَيْضَهُ النَّفْسِ ، وَنَفْثَهُ الغَيْظِ ، وَ خَوَرُ القَنا ، وَبَثَّهُ الصَّدْرِ ، وَتَقْدِمَهُ الحُجَّهِ ، فَدُونَكُمُوها فَاحْتَقِبُوهَا دَبِرَهَ الظَّهْرِ ، نَقِبَهَ الخُفِّ ، بَاقِيَهَ العَارِ ، مَوْسُومَهً بِغَضَبِ اللَّهِ ، وَشَنَارِ الأَبَدِ ، مَوْصُولَهً بِـ : « نَارِ اللّه ِ الْمُوقَدَهِ الَّتى تَطَّلِعُ عَلَى الْاَءفْئِدَهِ »(٢) ..

فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ « وَسَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ »(٣) .

وَأَنَا ابْنَهُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ، فَـ : « اعْمَلُوا .. إِنَّا عَامِلُونَ * وَانْتَظِرُوا إنّا مُنْتَظِرُونَ »(٤) .

* * *

١- ١ . سوره إبراهيم (١۴) : ٨ .

٢- ٢ . سوره الهمزه (١٠۴) : ۶ _ ٧ .

٣- ٣ . سوره الشعراء (٢۶) : ٢٢٧ .

۴- ۴ . سوره هود (١١) : ١٢١ _ ١٢٢ .

خلوت کرده اید و از سختی سعادت انگیز به رفاهیّت شقاوت آمیز گرویده اید « اگر شما و همه ی اهل عالم کافر شوید خداوند غنی و بی نیاز است » .

ای مردم آنچه گفتیم می دانم که در شما اثری نخواهد داشت زیرا کناره گرفتن شما از ما با گوشت و پوست شما آمیخته شده و احساس می کنم که مکر و فریب و وسوسه شیطان دل های شما را فراگرفته است این آهی است از سینه پر دردمند من که آن را از دل بیرون افکنم و وظیفه ی خود را انجام دادم و حجّت را بر شما تمام نمودم .

اکنون این شتر خلافت را بگیرید و به ناحق غصب نمایید امّا بدانید که پای آن مجروح و پشت وی زخم و غبار ننگ آن همیشه بر شما باقی است این عمل غصب شما به غضب خدا پیوسته و این روش ناپسند شما به « آتش برافروخته ی الهی که بر دلها سر می زند » متصّل است خداوند می داند آنچه را که شما مرتکب می شوید .

« و به زودی ستمکاران آگاه شوند که به کدام مکان بازگشت می نمایند » .

ای مردم من دختر آن کسی هستم که شما را از عذاب قیامت بیمناک ساخت و می بینم عذابی سخت شما را احاطه نموده است « آنچه را که می خواهید عمل کنید و ما بر آنچه حقّ است عمل می نماییم . شما منتظر نتیجه ی عمل خود باشید و ما منتظر ــ روز تشخیص حق از باطل و سعید از شقی ــ خواهیم بود » .

* * *

ص: ۴۰

یادداشت ها

اشاره

۱ . منابع خطبه ی فدکیّه

۲ . کتابنامه ی خطبه ی فدکیّه

۳ . پیشینه ی فدک

۴ . نمی از یم فضایل و مناقب صاحب فدک

۵ . اشاره ای کوتاه به شرح حال مترجم

ص: ۴۲

یادداشت اوّل

منابع خطبه ی فدکیّه

۱ ــ ابوالفضـل احمـد بن ابی طاهر ، مشـهور به «ابن طیفور» متوفای ۲۸۰ ه . آن را با سلسـله اسـنادش از طریق «زیـد بن علی بن الحسین علیه السلام » روایت کرده است.(۱)

۲ ــ ابوبکر احمـد بن عبـد العزیز جوهری ، محـدث پر آوازه ی قرن چهارم ، با سلسـله اسـنادش از عقیله العرب حضـرت زینب سلام اللّه علیها روایت کرده است.(۲)

۳ ــ ابن مردویه ، احمد بن موسی بن مردویه ی اصفهانی ، متوفای ۴۱۰ ه . آن را با سلسله اسنادش از طریق عایشه روایت کرده است.(۳)

۴ ــ سید مرتضی علم الهدی ، متوفای ۴۳۶ ه . آن را با سلسله اسنادش از طرق مختلف روایت نموده است(۴).

۵ ــ شیخ طوسی ، متوفای ۴۶۰ ه . آن را با همان اسناد روایت کرده است(۵).

ص: ۴۴

۱- ۱ . ابن طیفور ، بلاغات النّساء ، ص ۲۰ ــ ۲۶.

۲- ۲ . ابن ابی الحدید پس از ستایش فراوان از جوهری به عنوان : عالم ، محدّث ، کثیر الادب ، ثقه و پرهیزکار ؛ این خطبه را از کتاب «السـقیفه و فدک» از جوهری روایت کرده است. [ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۶ ، ص ۲۱۱] و اربلی آن را از روی نسخه ی کهن «سقیفه» که در ربیع الآخر ۳۲۲ ه . بر مؤلف قرائت شده ، روایت کرده است[اربلی ، کشف الغمه ، ج ۲ ، ص ۱۰۶] .

۳- ۳ . سید ابن طاووس آن را از کتاب «المناقب» ابن مردویه روایت کرده است [سید ابن طاووس ، الطرائف ، ص ۴۰۹] .

۴- ۴ . سیّد مرتضی علم الهدی ، الشّافی فی الامامه ، ج ۴ ، ص ۶۹ ــ ۷۷.

۵- ۵ . شیخ طوسی ، تلخیص الشّافی ، ج ۳ ، ص ۱۳۹.

۶ ــ ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری ــ امامی ــ از بزرگان قرن پنجم هجری ، آن را با اسناد مختلف از طریق ابن عباس ، امام باقر علیه السلام حضرت زینب علیهاالسلام و عایشه روایت کرده است(۱).

۷ ــ ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی ، از شخصیتهای برجسته ی قرن ششم ، آن را از طریق عبداللّه محض روایت کرده است.(۲)

۸ ــ ابو المؤید ، موفق بن احمد مکی خوارزمی ــ اخطب خوارزم ــ متوفای ۵۶۸ ه . آن را با سلسله اسناد خود از عایشه حدیث کرده است(۳).

۹ ــ رضی الدین ، علی بن موسی ــ ابن طاووس ــ متوفای ۶۶۴ ه . آن را از طریق ابن مردویه ، ابن ابی الحدید و جوهری روایت نموده است(۴).

۱۰ ــ علی بن عیسی اربلی ، متوفای ۶۹۳ ه . آن را از کتاب «السقیفه» از یک نسخه ی کهن ، که در سال ۳۲۲ ه . بر مؤلّف قرائت شده ، روایت کرده است(۵).

اگر بخواهیم همه ی منابع خطبه ی حضرت زهرا سلام اللّه علیها را نقل کنیم در این صفحات نمی گنجد ، و لذا به ۱۰ مورد یاد شده بسنده می کنیم و یادآور می شویم که شیخ صدوق فرازهایی از آن را در علل الشرایع ، ابن ابی الحدید معتزلی قسمت اعظم آن را در شرح نهج البلاغه و متن کامل آن را علامه ی مجلسی از بیش از ۱۰ طریق در بحار الانوار روایت کرده است(۶).

۱- ۱ . طبری ، دلائل الامامه ، ص ۱۰۹ ــ ۱۲۵.

۲- ۲ . طبرسی ، الاحتجاج ، ص ۹۷ ــ ۱۰۸.

۳- ۳ . خوارزمی ، مقتل الحسین ، ج ۱ ، ص ۱۲۱ ــ ۱۲۳.

۴- ۴ . ابن طاووس ، الطرائف ، ص ۴۰۹ ــ ۴۲۱.

۵- ۵ . اربلی ، کشف الغمه ، ج ۲ ، ص ۱۰۵ ــ ۱۱۸.

۶- ۶ . علامه مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۲۹ ، ص ۲۱۵ ــ ۳۳۳.

یادداشت دوم

کتابنامه ی خطبه ی فدکیّه

به جهت جایگاه خاص خطبه ی حضرت فاطمه سلام اللّه علیها که بعد از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد النبی در محضر مهاجر و انصار ، به عنوان استیضاح خلیفه ایراد گردیده ، بر این خطبه شروح مستقل و ضمنی فراوان در کتب حدیثی ، ادبی و عقیدتی در طول قرون و اعصار نوشته شده ، که احصا کردن آن در این صفحات محدود ممکن نیست.

فی المثل ابن ابی الحدید معتزلی ، متوفای ۶۵۶ ه . شرح مفصلی در شرح نهج البلاغه اش بر این خطبه نوشته است.(۱) و علامه ی مجلسی در دائره المعارف بزرگ بحار الأنوار شرح گسترده ای نوشته ،(۲) ولی ما در این بخش به کتاب شناسی بسیار فشرده ی کتابهایی می پردازیم که مستقلاً در شرح خطبه ی فدکیه به رشته ی تحریر در آمده است.(۳)

۱ _ أدب الزّهراء علیهاالسلام (عربی)

سید محمد جمال هاشمی (م : ۱۳۹۷ ه)

شرح خطبه ی فدکیه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام _ مخطوط _(۴)

ص: ۴۸

۱- ۱ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۶ ، ص ۲۱۰ _ ۲۳۷.

۲- ۲ . علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۲۹ ، ص ۲۴۷ _ ۳۳۳.

۳- ۳ . کتابهایی که در شرح هر دو خطبه نوشته شده ، در بخش دوم معرفی می شوند.

۴- ۴ . مؤلف در کتاب «الزهراء» چاپ بغداد ، ص ۸۱ ، از آن نام برده است.

۲ _ اسرار فدک (فارسی)

محمد باقر انصاری و سید حسین رجائی

نشر الهادی ، قم ، ۱۴۲۰ ه . ۳۰۴ صفحه وزیری.

متن ، ترجمه ، سند و تحلیل خطبه ی فدکیه

۳ _ إعلموا أنّی فاطمه علیهاالسلام (عربی)

عبدالحمید مهاجر

دار الکتاب و العتره ، بیروت ، ۱۴۱۳ ه . ده مجلّد ، ۷۶۰۰ صفحه وزیری

گسترده ترین شرح خطبه ی حضرت فاطمه سلام اللّه علیها.

۴ _ بررسی خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

محسن واعظ

بررسی نکات خطبه ی فدکیه _ مخطوط _

۵ _ بررسی خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام و ترجمه ی آن (فارسی)

سید علی اکبر سجادی پور

ترجمه و بررسی خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام _ مخطوط _(۱)

۶ _ ترجمه ی خطبه ی فدک از بزرگ بانوی اسلام (فارسی)

۱- ۱ . انصاری زنجانی، حاج شیخ اسماعیل، فاطمه علیهاالسلام در آیینه ی کتاب، چاپ دلیل ما، قم، ۱۴۲۲ ه . ص ۱۷۱.

احمد معصومی

چاپ تهران ، ۱۳۹۷ ه . ۸۰ صفحه ی جیبی

۷ _ ترجمه ی السحاب المطیر (فارسی)

سید حسن عباس موسوی نیشابوری کنتوری

شرح و ترجمه ی خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(۱)

۸ _ تفسیر خطبه ی فاطمه الزهرا علیهاالسلام (عربی)

ابو عبداللّه ، احمد بن عبد الواحد بن احمد بزّاز ، مشهور به : ابن عبدون.

نجاشی مقدم رجالیون از آن نام برده.۳

۹ _ چهل حدیث در مناقب امّ أبیها و خطبه ی تاریخی آن حضرت (فارسی)

علی اکبر مهدی پور

انتشارات رسالت ، قم ، ۱۳۷۹ ش. ۶۴ صفحه ی جیبی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه و ۴۰ حدیث در مناقب حضرت فاطمه علیهاالسلام

۱۰ _ حقیقت جاویدان (فارسی)

محمد باقر ملبوبی

انتشارات صدر ، تهران ، ۱۳۹۱ ه . ۴۳۹ صفحه وزیری.

شرح قسمتی از خطبه ی فدکیه ، به عنوان جلد اول.

۱- ۱ . انصاری ، همان ، ص ۲۰۷. ۳ . نجاشی ، الرجال ، ص ۸۷، رقم ۲۱۱.

۱۱ ـ حماسه ی بزرگ (فارسی)

ناصر مکارم شیرازی

نشر انجمن محبّان الفاطمه ، مشهد ، ۱۴۰۶ ه . ۱۰۴ صفحه رقعی.

متن ، ترجمه ، سند و شرح فرازهایی از خطبه ی فدکیه.

۱۲ ـ خطابه ی بزرگ بانوی اسلام (فارسی)

عبد رضی ربانی

ناشر : مؤلف ، ۹۶ صفحه جیبی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه.

۱۳ ـ خطابه ی فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

خلیل کمره ای (م : ۱۴۰۵ ه)

کتابخانه ی سقراط ، تهران ، ۱۳۶۷ ه . ۱۳۳ صفحه ی وزیری

شرح خطبه ی فدکیه و تحلیل غصب فدک.

۱۴ ـ خطابه ی فدک (فارسی)

محمد باقر انصاری و سید حسین رجائی

نشر الهادی ، قم ، ۱۳۷۶ ش. ۱۲۸ صفحه رقعی

متن، ترجمه، سند، شرح و کتابنامه ی خطبه ی فدکیه، گزیده ی کتاب «اسرار فدک»

۱۵ ـ خطبه ی آتشین بانوی اسلام (فارسی)

علی کاظمی

نشر ایمان ، قم ، ۱۳۶۵ ش. ۸۵ صفحه ی رقعی.

ترجمه ی خطبه ی فدکیه

۱۶ _ خطبه ی آتشین بانوی نمونه ی اسلام حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

حسین عمادزاده (م : ۱۴۱۰ ه)

دفتر نشر ، قم ، ۱۳۹۱ ه . ۷۶ صفحه ی وزیری

متن و ترجمه ی خطبه فدکیه ، صفحه مقابل.

۱۷ _ خطبه ی تاریخی بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

سید علی سید نژاد

نشر امور تربیتی منطقه ی ۲ ، قم ، ۱۳۷۱ ش. ۶۰ صفحه وزیری.

شرح خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

۱۸ _ خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

غلامحسین حسین زاده _ مخطوط _(۱)

۱۹ _ خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

عبدالرحمن انصاری

نشر انصار المهدی ، قم ، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۸ صفحه جیبی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

۲۰ _ خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

۱- ۱ . انصاری ، همان ، ص ۲۹۳.

سید ابوالفضل موسوی گرمارودی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

۲۱ _ خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام _ ویژه نوجوانان _ (فارسی)

کنگره ی بین المللی حضرت زهرا علیهاالسلام ، ساری ، ۱۳۷۶ ش. ۶۰ صفحه جیبی

۲۲ _ خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

کریم کاظمی

نشر کوشا مهر ، شیراز ، ۱۳۷۹ ش. ۱۷۵ صفحه رقعی

ترجمه ی منظوم خطبه ی فدکیه

۲۳ _ خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام اصیل و جاودانه است (فارسی)

محمد علی شمشیری میلانی

انتشارات منشور ، تبریز ، ۱۳۷۳ ش. ۱۰۶ صفحه رقعی

سند و اصالت خطبه و پاسخ به یاوه سرایی های برخی از کج اندیشان (یوسف شعار).

۲۴ _ خطبه ی حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

اداره ی ارشاد اسلامی شرق تهران ، ۲۵ صفحه رقعی.

متن ، ترجمه و منابع خطبه فدکیه.

۲۵ _ خطبه ی حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

شیخ حسینعلی منتظری

نشر بلاغت ، قم ، ۱۳۷۴ ش. ۳۴۴ صفحه وزیری.

متن ، ترجمه ، شرح و اثبات خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت

۲۶ _ خطبه ی حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (اردو)

شیخ حسینعلی منتظری

ترجمه ی عنوان بالا به زبان اردو ، ۱۹۹۶ م. ۳۷۶ صفحه وزیری.

۲۷ _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (اردو)

محمد تقی خان حیدر آبادی

چاپ حیدر آباد ، هند

ترجمه ی خطبه ی فدکیه به اردو

۲۸ _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته

۳۹ صفحه رقعی.

متن و تعلیقات و مقدمه ای تحت عنوان : نقش حضرت زهرا در ادای رسالت.

۲۹ _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (فارسی)

محمد رضا انصاری

ترجمه ی عنوان بالا ، چاپ قم ، ۱۳۶۱ ش. ۸۰ صفحه رقعی

۳۰ _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

تنظیم و نشر مؤسسه ی البلاغ ، بیروت ، ۱۴۱۰ ه

۳۱ _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (فارسی)

تنظیم و نشر مؤسسه ی فاطمیه ی سمنان ، ۱۴۰۷ ه . ۴۰ صفحه رقعی

متن ، ترجمه ، اسناد و منابع.

۳۲ _ خطبه الزهراء علیهاالسلام و قصتها (عربی)

جمعی از فضلای نجف اشرف

نشر دار الأضواء ، بیروت ، ۱۴۱۷ ه . ۵۴ صفحه جیبی

متن تحقیق شده ی خطبه ی فدکیه ، با تعلیقات

۳۳ _ خطبه الصدیقه الکبری فاطمه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

از مؤلفی ناشناخته ، بیروت ، ۱۴۱۶ ه . ۴۴ صفحه رقعی.

متن و شرح مفردات خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

۳۴ _ خطبه ی فاطمه زهرا علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته _ قرن ۱۱ _

نسخه ی خطی ، در ۱۵ ورق(۱).

۳۵ _ خطب فاطمه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

حلم حائری

۱- ۱ . عربزاده ، فهرست نسخه های خطی کتابخانه ی آیه اللّه گلپایگانی ، ج ۱ ، ص ۲۸۵ ، به شماره ی ۳۲/۴۶ و ۳۲/۶۶.

چاپ نجف ، ۲۴ صفحه جیبی

۳۶ _ خطبه ی فدک (فارسی)

علی فصیحی

نشر هوشیار ، مشهد ، ۱۳۷۶ ش. ۷۲ صفحه جیبی

متن ، ترجمه و منابع خطبه با شرح وضع جغرافیائی فدک

۳۷ _ خطبه ی فدک حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

تنظیم و نشر منیر ، تهران ، ۱۳۷۴ ش.

۴۸ صفحه رقعی

متن و ترجمه ی صفحه مقابل خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

۳۸ _ خطبه ی فدکیه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

محمد روحانی علی آبادی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه ، از ۶۰ منبع شیعه و اهل سنت _ مخطوط _(۱)

۳۹ _ الخطبه الفدکیه و شرحها (عربی)

از مؤلف ناشناخته

متن و شرح فرازهای خطبه _ مخطوط _

۴۰ _ خطبه ی منظومه ی حضرت زهراء علیهاالسلام (فارسی)

۱- ۱ . انصاری ، همان ، ص ۳۰۱.

سید رضا آل یاسین

ترجمه ی منظوم خطبه ی فدکیه _ مخطوط _

۴۱ _ خطبه ی منظومه ی ملکه اسلام فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

محمد افتخاری ساوجی

ترجمه ی خطبه ی فدکیه به نظم ، ۱۳۵۴ ش . ۱۶ صفحه جیبی

۴۲ _ خطبه و اشک (فارسی)

محمد لک علی آبادی

تحلیلی پیرامون خطبه ی فدکیه ، ۸۰ صفحه ی رقعی

۴۳ _ الدّره البیضاء فی شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید محمد تقی رضوی قمی (م : ۱۳۴۴ ه .)

کتابفروشی علمی ، تهران ، ۱۳۵۴ ه . ۱۹۰ صفحه ی خشتی .

متن ، شرح ، سند خطبه و تاریخچه ی فدک

۴۴ _ رخساره ی خورشید (فارسی)

محمد تقی خلجی

نشر میثم تمار ، قم ، ۱۳۷۹ ش. ۴۳۷ صفحه ی وزیری

شرح خطبه و بیان اسناد و منابع آن

۴۵ _ الزّهراء و خطبه فدک (عربی)

علامه ی مجلسی ، مولی محمد باقر (م : ۱۱۱۰ ه .)

تقدیم ، تحقیق و تکمیل محمد تقی شریعتمداری

نشر دار گلستان کوثر ، تهران ، ۱۴۲۳ ه . ۲۵۵ صفحه وزیری.

متن ، شرح ، اسناد و منابع خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت .

۴۶ _ السّحاب المطیر (عربی)

سید حسن عباس موسوی نیشابوری کنتوری

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(۱)

۴۷ _ سخنان برترین بانو (انگلیسی)(۲)

جلیل سید ابراهیمی

نشر ثار اللّه ، تهران ، ۱۳۷۹ ش. ۶۰ صفحه ی رقعی .

۴۸ _ سخنرانی حضرت فاطمه علیهاالسلام در مسجد پیامبر اکرم علیه السلام (فارسی)

علیرضا اللهیاری

نشر انجام کتاب ، تهران ، ۱۳۶۷ ش. ۴۸۸ صفحه وزیری.

شرح فرازهای خطبه به تفصیل.

۴۹ _ سخنرانی فاطمه علیهاالسلام جلوه گاه ایده آل اسلامی (فارسی)

توران انصاری

رسالت قلم ، تهران ، ۱۳۶۰ ش. ۸۸ صفحه جیبی

۱- ۱ . همان ، ص ۳۹۰.

۲- ۲ . The Speech of Supreme lady

۵۰ _ سوگنامه ی فدک (فارسی)

سید محمد تقی نقوی

نشر جلیل ، تهران ، ۱۴۱۴ ه . ۶۳۱ صفحه وزیری

شرح تفصیلی خطبه ی فدکیه

۵۱ _ سیری مختصر در ماجرای غم انگیز فدک (فارسی)

سید اصغر محمود آبادی

۳۰۰ صفحه ی وزیری

شرح خطبه فدکیه

۵۲ _ شرح خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

سید عز الدّین حسینی زنجانی

چاپ دفتر تبلیغات اسلامی ، قم

۸۳۶ صفحه ی رقعی (دو جلد)

شرح تحلیلی و بیان نکات و دقایق خطبه ی فدکیه

۵۳ _ شرح خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

سید احمد بن عطاء اللّه امامی (م : ۱۴۱۴ ه .)

شرحی گسترده ، ولی _ مخطوط _

۵۴ _ شرح خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

الیاس شریفی اشکوری

چاپخانه ی اسلام ، قم ، ۱۴۰۵ ه .

۶۴ صفحه رقعی

۵۵ _ شرح خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (اردو)

سید حسن نقوی لکهنوی

چاپ هند.

۵۶ _ شرح خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

سید علی اکبر برقعی (م : ۱۴۰۷ ه .)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _ (۱)

۵۷ _ شرح خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

احمد ارجمند اردبیلی

شرح گسترده ی خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت ، در دو مجلد _ مخطوط _

۵۸ _ شرح خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

احمد مدرس وحید ، مشهور به : حاج میرزا آقا باغمیشه ای (م : ۱۴۰۴ ه .)

چاپخانه ی علمیه ، تبریز ، ۱۳۴۸ ش. ۴۳۹ صفحه ی وزیری.

شرح مزجی ، ادبی و تاریخی خطبه ی فدکیه.

۵۹ _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید ابوالقاسم بن حسن حسینی موسوی

۱- ۱ . جواهر کلام ، تربت پاکان قم ، ج ۲ ، ص ۳۷۳.

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(۱)

۶۰ _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید ابوالقاسم جعفر کبیر ، بن حسین خوانساری (م : ۱۱۵۸ ه .)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(۲)

۶۱ _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته

شرح واژه های مشکل خطبه _ مخطوط _(۳)

۶۲ _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

فضل علی ، بن ملّاولی اللّه شریعت قزوینی (م : ۱۳۶۷ ه .)

در شرح خطبه فدکیه ، موسوم به : «شرح خطبه اللّمّه» _ مخطوط _(۴)

۶۳ _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید علی اکبر بن محمد جعفر حسنی حسینی یزدی (م : حدود ۱۲۸۸ ه .)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(۵)

۶۴ _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

۱- ۱ . استادی ، فهرست هزار و پانصد نسخه ی آستان قدس رضوی ، ش ۵۶۷.
۲- ۲ . اشکوری ، تلامذه العلامه المجلسی ، ص ۱۹ رقم ۱۶.
۳- ۳ . ثقه الاسلام تبریزی ، مرآت الکتب ، ج ۲ ، ص ۲۰۶.
۴- ۴ . جلالی ، سید محمد جواد ، فهرس التّراث ، ج ۲ ، ص ۳۸۰.
۵- ۵ . کحاله ، معجم المؤلّفین ، ج ۷ ، ص ۴۰.

سید محمد حسن بن محمد مهدی موسوی شوشتری ـ ق ۱۴ ـ

شرح خطبه ی فدکیه ـ مخطوط ـ(۱)

۶۵ ـ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید محمد سعید ـ حفید صاحب عبقات ـ

شرح خطبه ی فدکیه ـ مخطوط ـ(۲)

۶۶ ـ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

هادی بنابی (ق ۱۳)

شرح خطبه ی فدکیه ، موسوم به «شرح خطبه اللّمّه» ـ مخطوط ـ(۳)

۶۷ ـ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (فارسی)

از مؤلف ناشناخته ، چاپ نجف اشرف(۴).

۶۸ ـ شرح خطبه سیدتنا الزهراء فی مسجد النبی بالمدینه المنوره (عربی)

محمد مهدی مراغی حائری ـ بنابی ـ

پیرامون سند و منابع خطبه ی فدکیه

۶۹ ـ شرح خطبه الصدیقه فاطمه الزهرا علیهاالسلام (عربی)

۱- ۱ . تهرانی ، نقباء البشر ، ج ۱ ، ص ۴۴۴.

۲- ۲ . میلانی ، نفحات الأزهار ، ج ۱ ، ص ۱۴۹.

۳- ۳ . تهرانی ، الذریعه ، ج ۱۳ ، ص ۲۲۵.

۴- ۴ . خانبابا مشار ، فهرست کتابهای چاپی فارسی ، ج ۲ ، ص ۲۱۱۹.

محمد طاهر آل شبیر خاقانی (م : ۱۴۰۶ ه .)

نشر انوار الهدی ، قم ، ۱۴۱۲ ه .

۲۷۰ صفحه ی وزیری

بخش اول کتاب به قلم مؤلف و بخش تکمیلی آن به قلم فرزند برومندش محمد کاظم خاقانی است.

۷۰ _ شرح خطبه فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

بنیاد فرهنگی فاطمه الزهرا علیهاالسلام ، تهران

۷۱ _ شرح خطبه فاطمه ی الزهرا علیهاالسلام و أسبابها (عربی)

نزیه قمیحه

نشر الوفاء ، بیروت ، ۱۴۰۵ ه . ۱۹۲ صفحه وزیری

۷۲ _ شرح خطبه ی فدک (فارسی)

محمد تقی شریعتمداری

نشر منیر ، تهران ، ۱۳۷۹ ش. ۹۴ صفحه رقعی

۷۳ _ شرح خطبه ی فدک (فارسی)

سید محمد تقی قائنی خراسانی

۷۴ _ شرح الخطبه الکبیره للزّهراء البتول (عربی)

مسلم جابری (م : ۱۳۷۴ ه)

چاپ نجف ، ۲۴ صفحه جیبی

۷۵ _ شرح خطبه اللّمّه (عربی)

محمد نجف کرمانی مشهدی (م : ۱۲۹۲ ه .)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(۱)

۷۶ _ شرح خطبه اللّمّه (اردو)

سید علی محمد بن دلدار علی نقوی لکهنوی (م : ۱۳۱۲ ه .)

چاپ هند.(۲)

۷۷ _ شرح خطبه اللّمه لسیّده النّساء فاطمه الزّهراء علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته _ مخطوط _(۳)

۷۸ _ صدای فاطمی فدک (فارسی)

محمد باقر انصاری ، سید حسین رجائی

نشر دلیل ما ، قم ، ۱۳۸۲ ش .

۸۴ صفحه رقعی

متن عربی ، ترجمه ، تحقیق در متن و سند خطبه ی فدکیه.

۷۹ _ غیرت عشق (فارسی)

بنیاد فرهنگی فاطمه الزهراء علیهاالسلام

۱- ۱ . بغدادی ، هدیه العارفین ، ج ۲ ، ص ۳۸۰.

۲- ۲ . مدرس خیابانی ، ریحانه الأدب ، ج ۱ ، ص ۳۱۹ .

۳- ۳ . انصاری ، همان ، ص ۴۳۱.

نشر بنیاد ، تهران ، ۱۳۸۰ ش. ۳۱ صفحه رقعی

متن و ترجمه ی مصحّح خطبه ی فدکیه

۸۰ _ فاطمه علیهاالسلام و فدک (فارسی)

محمد حسین ضیائی بیگدلی

نشر دار العلم ، قم ، ۱۳۸۰ ش. ۱۶۰ صفحه رقعی.

شرح خطبه ی فدکیه

۸۱ _ فریاد فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

تنظیم و نشر دفتر مطالعات دینی زنان

۸۲ _ فریاد یک انقلاب (فارسی)

محمد یوسف حریری

نشر بدر ، تهران ، ۱۳۵۴ ش. ۱۲۶ صفحه

تحلیل خطبه ی فدکیه.

۸۳ _ قطره ای از دریا (فارسی)

علی ربانی گلپایگانی

نشر مدرسه ی حجتیه ، قم ، ۱۴۱۰ ه . ۱۷۳ صفحه خشتی

شرح کوتاهی بر خطبه ی فدکیه

۸۴ _ کشف المحجّه فی شرح خطبه اللّمه (عربی)

سید عبداللّه شبّر (م : ۱۲۴۲ ه)

نسخه ی خطی آن در کتابخانه ی شوشتری های نجف اشرف موجود است(۱).

۸۵ _ کلام فاطمه فی فدک (عربی)

ابوالفرج ، علی بن حسین اصفهانی ، صاحب «الأغانی» (م : ۳۵۶ ه)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(۲)

۸۶ _ کلمه الزّهراء (عربی)

سید عباس مدرسی

نشر عاشورا ، قم ، ۱۴۱۴ ه . ۱۲۸ صفحه رقعی

خطبه ی فدکیه به صورت منظوم

۸۷ _ لؤلؤ لالا ، در تاریخ و خطبه ی حضرت زهراء علیهاالسلام (فارسی)

سید علی اکبر برقعی قمی (م : ۱۴۰۷ ه)

تحت عنوان شرح خطبه ی حضرت فاطمه گفته شد _ مخطوط _

۸۸ _ اللمعه البیضاء فی شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

محمد علی انصاری قراچه داغی (م : ۱۳۱۰ ه)

نشر الهادی ، قم ، ۱۴۱۸ ه . ۹۱۲ صفحه وزیری

شرحی گسترده بر خطبه ی فدکیه

۱- ۱ . کشمیری ، تکلمه نجوم السماء ج ۱ ، ص ۴۵۱.

۲- ۲ . تهرانی ، الذریعه ، ج ۱۸ ، ص ۱۰۹.

۸۹ ـ لمعه الضیاء فی شرح خطبه الزهرا علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته

چاپ سنگی

۹۰ ـ متن کامل خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

حسین عماد زاده (م : ۱۴۱۰ ه)

نشر کانون شریعت ، تهران ، ۱۳۷۳ ش. ۵۵ صفحه رقعی

متن ، ترجمه و شرح کوتاه خطبه ی فدکیه

۹۱ ـ مروری بر خطبه ای کم نظیر از بانویی بی همتا (فارسی)

احمد بهشتی

سازمان تبلیغات اسلامی ، تهران ، ۱۳۶۹ ش. ۲۴ صفحه رقعی.

۹۲ ـ من فقه الزّهراء علیهاالسلام (عربی)

سید محمد حسینی شیرازی (م : ۱۴۲۲ ه .)

جلد دوم : دار الصادق ، بیروت ، ۱۴۱۹ ه . ۴۸۰ صفحه ی وزیری.

جلد سوم : دار المهدی ، اصفهان ، ۱۴۲۱ ه . ۴۱۶ صفحه ی وزیری.

جلد چهارم : مؤسسه المجتبی ، بیروت ، ۱۴۲۸ ه . ۴۸۶ صفحه ی وزیری.

جلد پنجم : نشر رشید ، اصفهان ، ۱۴۲۸ ه . ۵۹۲ صفحه ی وزیری.

آیه اللّه شیرازی جلد دوم تا پنجم از دائره المعارف «من فقه الزهراء» علیهاالسلام را به تحلیل خطبه ی فدکیه از دیدگاه تشریع اسلامی اختصاص داده ، بُعد تازه ای از ابعاد شخصیت والای صدیقه ی طاهره سلام اللّه علیها را فرا

روی پژوهشگران فرهنگ فاطمی گشوده است(۱).

ص: ۶۸

۱- ۱ . مرحوم آیه اللّه شیرازی ۱ جلد اوّل دائره المعارف بزرگ « من فقه الزّهراء » علیها السّلام را به شرح حدیث کساء و مجلدات بعدی (دوم تا پنجم) را به شرح خطبه ی فدکیه اختصاص داده ، صدها حکم فقهی از دریای بیکران معارف حضرت فاطمه علیهاالسلام استخراج نموده ، در ۱۹۷۴ صفحه ی وزیری ثبت کرده است .

یادداشت سوم

فدک در گذر تاریخ

بر اساس نویدهای شفّاف تورات ، قوم یهود از طلوع خورشید اسلام از افقِ مکه آگاه بودند و می دانستند که نور محمّد صلی الله علیه و آله از « جبل فاران » خواهد درخشید .(۱) بشارت های تورات درباره ی پدیدار شدن امّتی عظیم از تبار حضرت ابراهیم ، از نسل اسماعیل و اقامت هاجر در « صحرای فاران » بسیار صریح بود .(۲)

از این رهگذر ، قوم یهود پس از شناسایی نیاکان پیامبر و ناکام ماندنشان در ترور آنان ، درصدد برآمدند که در برابر پیشرفت اسلام سدهای مستحکمی ایجاد کنند و مطمئن شوند که نور اسلام به سرزمین قدس شریف نخواهد تابید و آنها در تأسیس پایتخت دولت جهانشمول یهود در سرزمین فلسطین موفق خواهند شد . از این رهگذر تعدادی خاکریز بین مکه و قدس ایجاد کردند که مهم ترین آنها به قرار زیر است :

۱ . یثرب ۲ . بنی قریضه ۳ . بنی مصطلق ۴ . بنی نظیر ۵ . خیبر ۶ . تبوک ۷ . موته .

سپاه اسلام در عهد رسالت ، تا موته پیش رفتند و لشگر اسامه به فرمان آن حضرت به سوی قدس گسیل شد که با کارشکنی منافقان

۱- ۱ . کتاب مقدس ، عهد قدیم ، سفر تثنیه ، فصل ۳۳ ، فراز ۲ ؛ حبقوق نبی ، فصل ۳ ، فراز ۳ ، انجمن پخش کتب مقدسه ، لندن ، ۱۹۰۴ م .
۲- ۲ . همان ، سفر پیدایش ، فصل ۲۱ ، فراز ۱۸ ـ ۲۱ .

عقیم ماند .

با مهاجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یثرب ، خاکریز اول به راحتی فتح گردید .

یهود بنو قریضه ، بنو نضیر و بنو قینقاع ، که محور شرارت در منطقه بودند، به محضر آن حضرت رسیده ، از محتوای دعوتش پرس وجو کردند .

پیامبر خدا در پاسخ فرمود :

من به سوی خداوند یکتا و رسالت خویش فرامی خوانم ، شما در تورات نشانه های مرا خوانده اید و دانشمندانِ شما به شما خبر داده اند که من از مکّه خروج کرده ، به سوی حَرّه (یثرب) هجرت می کنم .

گفتند : ما این ها را شنیده ایم ، ولی اکنون می خواهیم پیمان صلح امضا کنیم .

سرانجام پیمان عدم تعرّض بسته شد که علیه پیامبر و یاران آن حضرت با دست ، زبان ، سلاح ، در نهان یا آشکار ، اقدامی نکنند .(۱) آنگاه گروهی از آنها به مکّه رفتند و در برابر بتها سجده کردند تا اعتماد مشرکان را به خود جلب کنند .(۲)

با تحریک یهود، قریش آماده ی نبرد شدند و نامه ی تهدیدآمیزی از سوی ابوجهل به سوی پیامبر فرستاده شد و مقدّمات جنگ بدر فراهم گردید.(۳)

پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، یهودیان به مکه رفتند و بر کشته های مشرکان اشک ریختند و مقدّمات جنگ احد را فراهم ساختند .

نخستین شورش یهود علیه مسلمانان توسّط « بنو قینُقاع » از داخلِ

۱- ۱ . طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۱ ، ص ۱۵۷ ، مؤسسه آل البیت ، قم ۱۴۱۷ ق .
۲- ۲ . شیخ طوسی ، تفسیر تبیان ، ج ۳ ، ص ۲۲۳ ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت .
۳- ۳ . واقدی ، المغازی ، ج ۱ ، ص ۱۸۰ ، اعلمی ، بیروت ، ۱۴۰۹ ق .

مـدینه آغاز شد . پیامبر خدا آنان را به مدّت ۱۵ روز در محاصـره نگه داشت ، سپس کوچ داد .(۱) آنگاه « بنی نضیر » اعلان جنگ کردند و سپاه اسـلام آنها را نیز محاصره کرده و وادار به تسلیم نمودند . سپس ابوسفیان یهود « بنی قُرَیضه » را تحریک کرده ، قول همکاری دادند و جنگ خندق را پیش آوردند .

پس از جنگ خندق ، پیامبر خدا دستور داد قلعه های آنها را نیز محاصره کرده ، وادار به تسلیم نمودند .(۲)

پس از شکست بنوقریضه ، یهود خیبر همپیمانان خود را فراخوانـده ، مهیّای حمله به مـدینه شدند . آنها به قلعه های مستحکم خود مغرور بودند و قلعه های خود را دژهای نفوذناپذیر می پنداشتند .

یهود خیبر شش قلعه داشتند که محکم ترین آنها « قموص » بود و مرحب خیبری در آن اقامت داشت .

۰۰۰/۲۰ جنگجو در خیبر مهیّای حمله بودنـد که مسـلمانان آنهـا را به محاصـره ی خود درآوردنـد . هر روز یکی از اصـحاب مسؤولیّت حمله را برعهـده می گرفت و ناکـام برمی گشت ، تا اینکه پیامبر فرمود : فردا پرچم را به دست کسـی می سپارم که خدا و پیامبر را دوست دارد ، خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند . او حمله می کند و فتح نکرده برنمی گردد .

آن روز پرچم را به دست امیرمؤمنان داد ، او در یک حمله ، قلعه را گشود و درِ خیبر را سپر قرار داد و سپس از آن پل ساخت و سرانجام چهل ذراع به کنار پرتاب کرد و مرحب خیبری را از پای درآورد و خیبر

۱- ۱ . همان ، ص ۳۷۴ .

۲- ۲ . ابن هشام ، السّیره النّبویه ، ج ۴ ، ص ۱۹۵ ، دار الجیل ، بیروت .

را فتح نمود .(۱)

هشت نفر تلاش کردند که آن را جابه جا کنند ولی نتوانستند .(۲)

پس از فتح خیبر ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرچمی فراهم ساخت و فرمود : چه کسی برای این پرچم داوطلب می شود ؟

زبیر گفت : من ، فرمود : دور شو .

سعد بن عباده گفت : من ، فرمود : دور شو .

آنگاه فرمود : علی جان ! این پرچم را بردار و به سوی قلعه ی « فدک » برو.

چون خبر دلاوری امیرمؤمنان علیه السلام در منطقه پیچید و آوازه ی خیبر و قتل مرحب به گوش اهالی فدك رسید ، آنها در خود یارای مقاومت ندیدند و پیشنهاد صلح کردند . امیرمؤمنان علیه السلام فدك را در برابر حفظ خون اهالی فدك پذیرفت .(۳)

بدینسان فدك بدون جنگ و خون ریزی در اختیار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت و لذا خالصه ی پیامبر بود ؛ چنانکه همه ی مفسّران ، محدّثان و مورّخان بر آن تصریح کرده اند .(۴)

* * *

۱- ۱ . یعقوبی ، التّاریخ ، ج ۲ ، ص ۴۶ ، حیدریه ، نجف اشرف ، ۱۳۸۴ ق .
۲- ۲ . ابن هشام ، السّیره النّبویه ، ج ۴ ، ص ۳۰۶ .
۳- ۳ . طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ .
۴- ۴ . ابن شبه ، تاریخ المدینه المنوّره ، ج ۱ ، ص ۱۹۳ ، دارالفکر ، قم ، ۱۴۱۰ ق ؛ بلاذری ، فتوح البلدان ، ص ۲۷ ، محمّدعلی بیضون ، بیروت ، ۱۴۲۰ق ؛ ابن هشام ، السّیره النّبویه ، ج ۴ ، ص ۳۲۶ ؛ طبری ، تاریخ الأمم والملوك ، ج ۲ ، ص ۴۹۸ ، اعلمی ، بیروت ، ۱۴۱۸ ق ؛ ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۶ ، ص ۲۱۰ ، عیسی البابی ، قاهره ، ۱۹۲۶ م ؛ ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۲ ، ص ۴۲۲ ، دارالکتاب ، بیروت ، ۱۴۱۰ ق .

پس ، آیاتی از قرآن نازل شد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مأموریّت یافت که آن را به حضرت فاطمه علیهاالسلام عطا کند . از اینرو ، دخت گرامی اش را فراخواند و فدک را به او عطا کرد و به امیرمؤمنان علیه السلام فرمان داد که قباله ی فدک را به عنوان « نِحله » به نام حضرت فاطمه بنویسد .(۱)

سرگذشت فدک در پرتو آیات :

براساس روایات شیعه و سنّی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام ، آیات فراوانی در قرآن کریم به داستان فدک مربوط است و حضرت فاطمه علیهاالسلام در خطبه ای که به عنوان استیضاح دولت وقت ایراد کرد ، به برخی از آنها استدلال نمود :

۱ . « وَآتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ » ؛ « حقّ « ذِی الْقُرْبی » را بپرداز » .(۲)

بسیاری از محدّثان ، مفسّران و مورّخان اهل سنّت این آیه را به داستان فدک تفسیر کرده اند ؛ از آن جمله اند :

الف) حافظ عبیداللّه حسکانی ، از علمای بزرگ اهل تسنّن در قرن پنجم هجری در ذیل این آیه ی شریفه ، با سلسله اسنادش به شش طریق از « ابوسعید خُدری » روایت کرده که گفت :

« لَمّا نَزَلَتْ : « وَآتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ » دَعا رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله فاطِمَهَ فَأَعْطاها فَدَکاً » .

۱- ۱ . قطب راوندی ، الخرائج ، ج ۱ ، ص ۱۱۲ ، مؤسّسه الامام المهدی ، قم ۱۴۰۹ ق .

۲- ۲ . سوره ی اِسراء (۱۷) : ۲۶ .

چون این آیه نازل شد پیامبر خدا فاطمه را فراخواند و فدك را به او عطا كرد .(1)

ب) آنگاه با سلسله اسنادش از امیرمؤمنان علیه السلام نیز به همین تعبیر روایت كرده است .(2)

ج) حافظ ابن كثیر (متوفّای ۷۷۴ ق .) نیز با سلسله اسنادش از ابوسعید به همان تعبیر نقل كرده است .(3)

د) حافظ جلال الدین سیوطی (متوفّای ۹۱۱ ق .) در تفسیر این آیه از بزّار ، ابویعلی ، ابن ابی حاتم و ابن مردویه نقل كرده كه با سلسله اسنادشان از ابوسعید خدری روایت كرده اند كه گفت :

« چون این آیه نازل شد ، پیامبر خدا فاطمه را فراخواند و فدك را به او عطا كرد » .(4)

ه) امام ثعلبی (متوفّای ۴۲۷ ق .) بدون اشاره به فدك می نویسد :

برخی گفته اند : منظور از « ذَا القُربی » خویشاوندان پیامبرند .(5)

آنگاه از امام سجاد علیه السلام روایت كرده كه به مردی از اهل شام فرمود : آیا این آیه را در سوره ی بنی اسرائیل خوانده ای ؟ پرسید : آیا شما از خویشاوندان

ص: ۷۴

۱- ۱ . حَسكانی ، شواهد التّنزیل ، ج ۱ ، ص ۴۳۸ ، ح ۴۶۷ _ ۴۷۲ ، چاپ وزارت ارشاد ، تهران ، ۱۴۱۱ ق .
۲- ۲ . همان ، ص ۴۴۲ ، ح ۴۷۳ .
۳- ۳ . ابوالفداء ، تفسیر القرآن العظیم ، ج ۳ ، ص ۳۵ ، المكتبه العصریّه ، بیروت ، ۱۴۲۲ ق .
۴- ۴ . سیوطی ، الدّر المنثور ، ج ۴ ، ص ۴۷۷ ، چاپ كتابخانه ی آیه اللّه مرعشی ، قم ، ۱۴۰۴ ق . افست چاپ مصر .
۵- ۵ . ثعلبی ، الكشف والبیان ، ج ۶ ، ص ۹۵ ، دار احیاء التراث ، بیروت ، ۱۴۲۲ ق .

پیامبر هستید که خداوند امر فرموده حق آنها ادا شود ؟ فرمود : آری .(۱)

و) امام فخر رازی (متوفّای ۶۰۶ ق .) می نویسد : در مورد مخاطبِ این آیه دو قول است ؛ قول نخست این است که :

این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است . خداوند به آن حضرت فرمان داد که حقوق خویشاوندان را از فَی ء و غنیمت عطا فرماید .(۲)

ز) قرطبی (متوفّای ۶۷۱ ق .) می نویسد : امام زین العابدین علیه السلام فرمود :

منظور از ذوی القربی خویشاوندان پیامبر هستند که خداوند امر کرده حقوق آن ها از بیت المال داده شود ؛ یعنی از سهم ذوی القربی از جنگ و غنایم جنگی . پس والیانِ امر و جانشینان آنها ، به این امر مخاطب می باشند .(۳)

ح) بیضاوی (متوفّای ۷۹۱ ق .) نیز گوید :

گفته شده که منظور از « ذوی القربی » خویشاوندان پیامبر هستند .(۴)

محدّثان ، مفسّران و مورّخان شیعه ، متّفق القول اند که این آیه درباره ی فدک نازل شده و اکنون اشاره ای کوتاه ، به برخی از آنها :

الف) فرات کوفی ، از رجال برجسته ی عصر غیبت صغری ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده : هنگامی که آیه ی « وَآتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ » نازل شد ، پیامبر فدک را به فاطمه عطا کرد . ابان بن تغلب پرسید : پیامبر خدا آن را عطا کرد ؟ فرمود : بلکه خداوند آن را به فاطمه

۱- ۱ . همان .

۲- ۲ . فخر رازی ، التفسیر الکبیر ، ج ۲۰ ، ص ۱۹۳ .

۳- ۳ . قرطبی ، الجامع لأحکام القرآن ، ج ۱۰ ، ص ۲۴۷ ، دار احیاء التراث ، بیروت ، ۱۹۶۶ م .

۴- ۴ . بیضاوی ، انوار التّنزیل ، ج ۲ ، ص ۲۹۸ ، دارالرّشید ، بیروت ، ۱۴۲۱ ق .

عطا فرمود .(۱)

علی بن ابراهیم قمی تصریح کرده که این آیه در حق حضرت فاطمه علیهاالسلام نازل شده و فدك را از آنِ او قرار داده است (۲).

ب) عیاشی (متوفّای ۳۲۰ ق .) از امام صادق علیه السلام روایت کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فدك را وقف کرده بود ، پس این آیه نازل شد و پیامبر آن را به فاطمه عطا کرد .(۳)

سپس از عطیّه ی کوفی نقل کرده که چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خیبر را فتح کرد ، خداوند فدك را فیْ ء آن حضرت قرار داد . پس این آیه نازل شد و پیامبر فرمود :

« یَا فَاطِمَهُ لَکِ فَدَک » ؛ « ای فاطمه فدك از آن توست » .(۴)

ج) شیخ طوسی نیز به تفصیل نقل کرده که پس از نزول آیه ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه را فراخواند و فدك را به او عطا کرد و کارگزاران فاطمه در طول حیات پیامبر در آنجا مستقر بودند . پس از ارتحال آن حضرت فدك را مصادره کردند .(۵)

د) علاّمه طبرسی از امام سجاد و دیگر معصومین علیهم السلام و از حافظ حسکانی روایت کرده که پس از نزول این آیه ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فدك را به

ص: ۷۶

۱- ۱ . فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ج ۳ ، ص ۲۳۹ ، ح ۳۲۲ ، مؤسّسه النّعمان ، بیروت ، ۱۴۱۲ ق .
۲- ۲ . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج ۲ ، ص ۱۸ ، دار الکتب ، قم ، ۱۳۸۷ ق .
۳- ۳ . عیّاشی ، التّفسیر ، ص ۴۵ ، ح ۴۷ ، مؤسّسه البعثه ، قم ، ۱۴۲۱ ق .
۴- ۴ . همان ، ص ۴۶ ، ح ۵۰ .
۵- ۵ . شیخ طوسی ، التّبیان ، ج ۶ ، ص ۴۶۸ ، دار احیاء التّراث ، بیروت ، بی تا .

حضرت فاطمه بخشید .(۱)

ه) سید هاشم بحرانی ، بیش از ده حدیث از طریق شیعه و سنی روایت کرده که پس از نزول این آیه ، پیامبر به فرمان خدا فدك را به فاطمه عطا کرد .(۲)

و) فیض کاشانی پس از نقل احادیث وارده ، در ذیل این آیه می نویسد :

احادیث در این معنی ، به حدّ استفاضه رسیده است .(۳)

ز) ابن مشهدی نیز بیش از ده حدیث در ذیل این آیه ، در همین رابطه نقل کرده است .(۴)

۲ . « وَآتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ » ؛ « پس حقّ « ذِی الْقُرْبی » را بپرداز » .(۵)

گروهی از مفسّران شیعه و سنّی در ذیل این آیه ی شریفه روایت کرده اند که چون این آیه نازل شد ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیهاالسلام را فراخواند و فدك را به او عطا کرد ، که از آن جمله اند :

الف) حافظ حسکانی ، با سلسله اسنادش از ابن عباس .(۶)

ب) فرات کوفی ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام .(۷)

ج) عیاشی ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام .(۸)

د) علی بن ابراهیم ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام .(۹)

۱- ۱ . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۶ ، ص ۶۳۳ ، دارالمعرفه ، بیروت ، ۱۴۰۸ ق .

۲- ۲ . بحرانی ، البرهان ، ج ۶ ، ص ۷۵ _ ۷۸ ، مؤسّسه البعثه ، بیروت ، ۱۴۱۹ ق .

۳- ۳ . فیض ، الصّافی ، ج ۴ ، ص ۴۰۲ ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، ۱۴۱۹ ق .

۴- ۴ . مشهدی ، کنزالدّقایق ، ج ۷ ، ص ۳۸۸ _ ۳۹۲ ، چاپ ارشاد ، تهران ، ۱۴۱۱ ق .

۵- ۵ . سوره ی روم (۳۰) : ۳۸ .

۶- ۶ . حسکانی ، شواهد التنزیل ، ج ۳ ، ص ۵۷۰ ، ح ۶۰۸ .

۷- ۷ . فرات کوفی ، التّفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۲۲ ، ح ۴۳۷ و ۴۳۸ .

۸- ۸ . عیاشی ، التّفسیر ، ج ۳ ، ص ۴۵ ، ح ۴۹ .

۹- ۹ . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج ۲ ، ص ۱۵۵ .

ه) بحرانی با سلسله اسنادش از امام باقر، امام صادق و ابوسعید خدری.(۱)

۳ . « مَا أَفاءَ اللّه ُعَلَی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُری فَ_للّه ِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبی » ۸.

« آنچه خداوند از اهل آبادی ها بر پیامبر برگرداند ، از آنِ خدا ، پیامبرِ خدا و ذوی القربی است » .

در این آیات مبارکه ، خداوند منّان در مورد آنچه مسلمانان برای به دست آوردن آن رکاب نزده ، اسب و استری نتاخته اند ، می فرماید : آنها « فَیْ ء » هستند و از آنِ خدا و رسول و ذوی القربی می باشند .

در ذیل این آیات ، مفسّران و محدّثان به داستان فدک پرداخته و آن را جزو « فَیْ ء » شمرده اند ؛ از جمله ی آنها است :

الف) ثعلبی از ابن عباس نقل کرده که منظور از این آیه ، اموال بنو قُرَیضه ، بنو نَضیر ، فدک ، خیبر ، و عُرَینه می باشد ، که خداوند همه اش را در اختیار پیامبر قرار داد و این آیات را نازل کرد و منظور از ذوی القربی ، خویشان پیامبر هستند و آنها بنی هاشم و بنی عبدالمطّلب هستند .(۲)

ب) طبری ، نیز همین متن را با سلسله اسنادش از ابن عباس نقل کرده است .(۳)

ج) قطب راوندی معجزه ی باهره ای از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که در فرازی از آن آمده است :

۱- ۱ . بحرانی ، البرهان ، ج ۷ ، ص ۴۴۳ _ ۴۴۷ . ۸ . سوره ی حشر (۵۹) : ۷ .
۲- ۲ . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۹ ، ص ۲۷۳ .
۳- ۳ . طبری ، جامع البیان ، ج ۲۸ ، ص ۲۴ ، دارالمعرفه ، بیروت ، ۱۴۱۲ ق .

« جبرئیل امین پیامبر را با طیّ الأرض به سرزمین فدک برد و در خانه های آن به گردش درآورد و آیه ی شریفه را تلاوت کرده ، گفت : ای محمّد ، این را خداوند به تو اختصاص داده ، دیگران هیچ نصیبی در آن ندارند » .

پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه بازگشته ، کلیدهای فدک را به مردم ارائه کرد و به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

« دخترم ! خداوند فدک را به پدرت اختصاص داد . دیگر مسلمانان نصیبی در آن ندارند . هرگونه که بخواهم در آن تصرّف می کنم . مادرت خدیجه مهریّه ای در عهده ی پدرت داشت ، پدرت فدک را به عنوان مهریّه ی مادرت به تو داد ، تا نحله ی تو باشد ، سپس از آنِ فرزندانت » .

آنگاه پوست دبّاغی شده ی عُکاظی طلب نمود و به علی علیه السلام فرمود :

« اُكْتُبْ لِفاطِمَةَ بِفَدَكَ نِحْلَةً مِنْ رَسُولِ اللّه ِ » .

« برای فاطمه فدک را به عنوان نِحله ی پیامبر خدا بنویس » .

حضرت علی ، امّ ایمن و یکی از غلامان پیامبر بر آن گواه شدند .(۱)

ص: ۷۹

۱- ۱ . قطب راوندی ، الخرائج والجرائح ، ج ۱ ، ص ۱۱۲ .

سپس راوندی گوید :

« اهالی فدک آمدند و پیامبر صلی الله علیه و آله فدک را به آنها سالیانه به ۲۴۰۰۰ دینار مقاطعه نمود » .(۱)

د) به نقلی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در کنار هم ، فدک را گشودند .(۲)

ه) امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون با این آیه ی شریفه استشهاد نموده ، فرمود : هنگامی که این آیه نازل شد ، رسول اللّه صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیهاالسلام را فراخواند و فرمود :

« این فدک به من اختصاص دارد ، مسلمانان برای تصرّف آن رکاب نزده اند . خداوند به من امر فرموده که آن را به تو عطا کنم . پس آن را برای خود و فرزندانت بگیر » .(۳)

پیشینه ی فدک

براساس آنچه مرحوم نهاوندی از کتاب « زبده الأقارن » نقل کرده ، پیشینه ی سرزمین فدک به قرن دهم پیش از میلاد می رسد .

وی در ضمن داستان بسیار مفصّلی نقل می کند که یکی از خواصّ اصحاب حضرت موسی علیه السلام به نام « ذَرخاء » مشهور به « ذَرخاءِ زاهد » از حضرت موسی علیه السلام وصف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام را شنیده

ص: ۸۰

۱- ۱ . همان ، ص ۱۱۳ .

۲- ۲ . فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ج ۲ ، ص ۴۷۴ .

۳- ۳ . مشهدی ، کنزالدّقایق ، ج ۱۳ ، ص ۱۶۱ .

بود و آگاهی زیادی از رمل و اسطرلاب داشت .

در ضمن سیر و سیاحت خود ، به محلّی در نزدیکی « یثرب » رسید ، از آنجا خوشش آمد . چاه آبی حفر نمود ، چشمه ی پر آبی پدیدار گردید . پس در آبادانی آنجا کوشید . زاهدان و عابدان از ایل و تبارش به آنجا کوچ کردند . در اندک زمانی هشت قریه در آنجا پدید آمد .

چون اجلش فرارسید فرزندانش را گرد آورد و گفت :

« یکهزار و پانصد و پنجاه سال بعد ، پیامبری به نام « محمّد » در اینجا مبعوث می شود ، دامادش که « علی » نام دارد ، وصیّ و خلیفه ی اوست » .

آنگاه معجزه ی باهره ای از آن حضرت نقل کرده ، افزود :

« چون او مبعوث شود و این معجزه از او صادر گردد ، پس همگی به او ایمان آورده ، این هشت قریه را تسلیمش نمایید » .(1)

وجه تسمیه ی فدک

در اینکه چرا این سرزمین « فدک » نامیده می شود ، دو وجه گفته شده :

۱ . پس از مهاجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به یثرب ، یکی از نوادگانِ « ذَرخاء » به پیامبر ایمان آورد و معجزه ای را که نیای او (ذرخاء) پیشگویی کرده

۱- ۱ . نهاوندی ، خزینه الجواهر ، ص ۵۶۵ _ ۵۶۸ ، چاپ ششم ، اسلامیه ، تهران ، ۱۳۶۴ ش .

بود ، توسّط آن حضرت به وقوع پیوست ، پس او بر اساس لوحی زرّین ، که در صندوقی در بسته از « ذرخاء » به او رسیده بود ، آن هشت قریه را به آن حضرت تقدیم نمود و عرضه داشت :

« فَداک » ؛ « این سرزمین به فدای شما » .

پس آنجا به « فَداکَ » موسوم شد و در اثر کثرت استعمال ، الف آن حذف گردید و به « فَدَک » شهرت یافت .(۱)

۲ . زجاجی گوید : نخستین کسی که در این سرزمین فرود آمد « فدک بن حام » بود و لذا به نام او « فدک » نامیده شد .(۲)

گستره ی فدک

فدک بیش از آنکه به عنوان مال و منال و جاه و مقام مطرح باشد ، نمادِ حقّانیّت اهل بیت علیهم السلام در برابر صاحبان زَر و زور و تزویر است . آنچه از معصومین علیهم السلام در مورد محدوده ی فدک رسیده ، این معنی را به روشنی بیان می کند و اکنون به چند نمونه اشاره می کنیم :

الف) امیرمؤمنان علیه السلام محدوده ی فدک را به شرح زیر بیان فرمود :

* یک حدّ آن کوه اُحُد

* یک حدّ آن عَریش مصر

* حدّ دیگرش سَیفُ البحر

* حدّ چهارمش دَومَهُ الجَندَل .(۳)

۱- ۱ . نهاوندی ، همان ، ص ۵۶۸ .
۲- ۲ . حموی ، یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۴ ، ص ۲۴۰ ، دار احیاء التّراث ، بیروت ، ۱۳۹۹ ق .
۳- ۳ . طریحی ، مجمع البحرین ، ج ۵ ، ص ۲۸۳ ، مکتبه مرتضویه ، تهران ، ۱۳۶۵ ش .

اگر حـدود کشور پهنـاور اسـلامی را در عهـد مولای متقیان در نظر بگیریم ، در واقع آن حضـرت حـدود کشور اسـلامی را به عنوان محدوده ی فدک بیان فرموده است .

ب) روزی حضـرت موسـی بن جعفر علیهماالسـلام بر مهدی عباسـی وارد شد ، او مشـغول ردّ مظالم بود ، حضرت فرمود : چه شده که مظالمِ ما به ما برگردانیده نمی شود ؟ !

خلیفه ی عباسی پرسید : چه مظلمه ها ؟

امام علیه السلام سرگذشت فدک را به تفصیل بیان کرد . وی گفت : حدّ آن را برای من بازگوی . فرمود :

* یک حدّ آن کوه اُحد

* حدّ دیگرش عریش مصر

* حدّ سومش سیف البحر

* حدّ چهارم دومه الجندل .

خلیفه پرسید : همه ی اینها جزو فدک می باشد ؟ فرمود : آری .(۱)

ج) روزی هارون الرشـید به حضـرت موسـی بن جعفر علیهماالسلام گفت : فدک را بگیر . حضرت امتناع کرد . هارون اصرار ورزید . حضرت فرمود : اگر فدک را پس می دهی ، همه ی حدود آن را می خواهم .

هارون گفت : حدود آن چیست ؟

حضرت فرمود : اگر حدود آن را بیان کنم ، تسلیم نخواهی کرد . هارون گفت : به جدّت سوگند که تسلیم می کنم .

۱- ۱ . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۵۴۳ ، دارالأضواء ، بیروت ، ۱۴۰۵ ق .

امام کاظم علیه السلام فرمود : یک حدّ آن ، عدن است .

چهره ی هارون دگرگون شد .

حضرت فرمود : حدّ دیگر آن سمرقند است .

در این هنگام اضطراب و نگرانی به هارون دست داد .

حضرت فرمود : حدّ سوّم آن آفریقا است .

رنگ هارون سیاه شد .

امام علیه السلام فرمود : حدّ چهارم آن کرانه ی خزر و ارمنستان است .

هارون گفت : دیگر چیزی برای ما باقی نماند .

حضرت فرمود : گفتم که اگر حدود آن را مشخّص کنم ، پس نخواهی داد .

اینجا بود که هارون تصمیم گرفت او را به شهادت برساند .(۱)

روی این بیان ، مطالبه ی فدک از سوی حضرت زهرا علیهاالسلام به جهت ارزش مالی آن نبود ، بلکه فدک نماد حقّانیت اهل بیت بود و حضرت فاطمه برای حمایت از امام زمانش آن را از حکومت وقت مطالبه می کرد و در طلب آن پای می فشرد .

مطالبه ی فدک

به گفته ی روایات ، خواسته های حضرت فاطمه علیهاالسلام از دولت وقت ، منحصر به « فدک » نبود ، بلکه ارث خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، فَیْ ء ، فدک و بازمانده ی خمس خیبر را نیز طلب می نمود .

۱- ۱ . سبط ابن جوزی ، تذکره الخواص ، ج ۲ ، ص ۴۶۶ ، مجمع جهانی اهل بیت ، قم ، ۱۴۲۶ ق . به نقل از ربیع الأبرار زمخشری ، ج ۱ ، ص ۳۱۵ ، شریف رضی ، قم ، ۱۴۱۰ ق .

بخاری با سلسله اسنادش از عایشه روایت کرده که گفت :

« إنَّ فـاطِمَهَ علیهاالسـلام بِنْتَ النّبیِّ صـلی الله علیه و آله ، أَرْسَـلَتْ إلی أبی بَکْرٍ تَسأَلُهُ میراثَها مِنْ رَسُولِ اللّه ِ صـلی الله علیه و آله مِمّا أَفاءَ اللّه عَلَیْهِ بِالْمَدینهِ وَفَدَکَ وَما بَقِیَ مِنْ خُمْسِ خَیْبَرٍ » .

« فـاطمه دخت پیـامبر ، کسـی را نزد ابوبکر فرسـتاد و میراث خود را از پیـامبر ، از آنچه خداونـد برای او « فَیْ ء » قرار داده ، از فدک و بازمانده ی خمس خیبر طلب کرد » .

ابوبکر گفت : پیامبر فرموده است : « ما ارث نمی گذاریم ، آنچه از ما بماند صدقه است ... » .

ابوبکر از اینکه چیزی از آنهـا را به فـاطمه بدهـد امتناع کرد ، پس فاطمه بر او خشم کرده ، قهر نمود و تا زنـده بود با او سـخن نگفت .

وقتی وفات یافت ، علی علیه السلام او را شبانه دفن کرد و خود بر او نماز گزارد و ابوبکر را از این امر آگاه نکرد .(۱)

ابن ابی الحدید می نویسد :

« مردم خیـال می کننـد که حضـرت فـاطمه علیهاالسـلام تنهـا میراث و نحله ی خـود را از ابـوبکر مطـالبه می کرد ، ولی من در احادیث

۱- ۱ . بخاری ، الصّحیح ، ج ۵ ، ص ۱۷۷ ، دارالجیل ، بیروت ، افست چاپ سلطانی (یونینی) .

یافتم که وی مطالبه ی سوّمی نیز داشت که آن را نیز ابوبکر دریغ نمود و آن سهم ذوی القربی بود » .(1)

البته حضرت فاطمه علیهاالسلام دو مطالبه ی دیگر نیز داشت و آنها عبارت بودند از :

۱) صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله ۲) سهم وی از غنایم جدید که در اختیار حکومت بود .

صدقات پیامبر

بحث درباره ی صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله زمان گسترده ای را می طلبد، در اینجا تنها به یک قلم از آنها اشاره می کنیم و آن اموال « مُخَیرِیق » یهودی بود که همه اش را در اختیار پیامبر قرار داد و حضرت آنها را جزو صدقات خود نمود .

اموال او شامل : دلال ، برقه ، اَعواف ، صافیه ، مَیثب ، حُسنی و مَشرَبه ی امّ ابراهیم بود .(2)

ابن شبّه با سلسله اسنادش نقل کرده که حضرت فاطمه علیهاالسلام کسی را نزد ابوبکر فرستاد و میراثش را از فَیْ ء ، فدک ، باقیمانده ی خمس خیبر و صدقات پیامبر طلب کرد .(3)

با توجه به نمادین بودن بحث « فدک » ، بسیار طبیعی بود که

۱- ۱ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۶ ، ص ۲۳۰ ، چاپ عیسی الحلبی ، قاهره ، ۱۹۶۳ م .
۲- ۲ . ابن شبه ، تاریخ المدینه المنوّره ، ج ۱ ، ص ۱۷۳ .
۳- ۳ . همان ، ص ۱۹۶ .

حضرت فاطمه علیهاالسلام از غنایم جدیدی که در اختیار خلیفه قرار می گرفت ، حق خود را مطالبه کند .

ارزش ریالی فدک

محدّثان ، مفسّران و مورّخان حامی مکتب خلافت ، کوشیده اند ارزش مالی فدک را بسیار پایین نشان دهند و گفته اند که خلیفه ی دوم نصف فدک را از اهالی فدک به ۵۰/۰۰۰ درهم خرید .(۱)

این ادّعا یقیناً بی پایه است ؛ زیرا :

اوّلاً : به نصّ آیات قرآن ، تمام فدک در اختیار پیامبر بود ، نه نصف آن .

ثانیاً : پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد فدک را به اهالی فدک سالیانه به ۲۴۰۰۰ دینار (معادل ۲۴۰/۰۰۰ درهم) مقاطعه کرده بود .(۲)

ثالثاً : درآمد سالیانه ی فدک به ۷۰/۰۰۰ دینار (۷۰۰/۰۰۰ درهم) می رسید .(۳)

رابعاً : نخل های فدک ، با همه ی نخلستان های کوفه برابری می کرد .(۴)

و نکته ی مهم اینجا است که مطالبه ی فدک از سوی حضرت فاطمه علیهاالسلام تنها برای احقاق حق بود وگرنه در تمام مدّتی که فدک در اختیار حضرت فاطمه بود ، او درآمد فدک را به فقرا می داد و خود همانند وضع پیش از تملّکِ فدک زندگی می کرد .

حضرت فاطمه در زهد و ایثار همسنگ امیرمؤمنان است که معاویه

۱- ۱ . واقدی ، المغازی ، ج ۲ ، ص ۷۰۷ ، اعلمی ، بیروت ، ۱۴۰۹ .
۲- ۲ . مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۲۹ ، ص ۱۱۶ .
۳- ۳ . سید بن طاووس ، کشف المحجّه ، ص ۱۲۴ .
۴- ۴ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۶ ، ص ۲۳۶ .

در حقّش می گوید :

« اگر برای علی دو انبار ؛ یکی از طلا و دیگری از کاه باشد ، او نخست طلاها را انفاق می کند ، سپس کاه ها را » .(۱)

روی این بیـان ، مطـالبه ی ارث ، فی ء ، نحله ، خمس و صـدقات ، منحصـراً برای دفـاع از ولاـیت امیرمؤمنان علیه السـلام بوده است .

قباله های فدک

پیامبر خدا با توجّه به علم گسترده ای که از رخدادهای بعدی داشت ، برای حضـرت فاطمه سـندی نوشت و حضـرت علی ، امّ ایمن و یکی از غلامانش را بر آن ، شاهد گرفت ، این نخستین قباله ی فدك بود .(۲)

دوّمین قباله را ابوبکر ، پس از گواهی امیرمؤمنان و امّ ایمن ، به عنوان عدم تعرّض ، نوشت و به آن حضرت داد . حضرت زهرا وقتی از منزل خلیفه به خانه برمی گشت ، با عمر بن خطاب روبه رو آمد . عمر پرسید : این چیست که همراه تو است ؟ فرمود : پسر ابی قحافه برای من نوشـته است . گفت : بر من ارائه کن تا ببینم . وقتی آن را از حضـرت گرفت ، نگاه کرده ، به آن آب دهان انداخت و پاره کرد .(۳)

سومین قباله را مأمون عباسی(۴) و چهارمین قباله را عمر بن

ص: ۸۸

۱- ۱ . علامه حلّی ، کشف الیقین ، ص ۴۵۷ .
۲- ۲ . طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ .
۳- ۳ . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۵۴۳ .
۴- ۴ . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۶ ، ص ۶۳۴ .

عبدالعزیز نوشتند .(۱)

ماجرای فدک

داستان فدک بسیار گسترده و بستر سخن بسیار وسیع است و سخنان ناگفته و دُرهای ناسفته در این زمینه فراوان است که به جهت محدودیت صفحات کتاب ، از همه ی آنها صرف نظر می کنیم ، فقط دست به دست شدن آن را به طور فشرده می آوریم :

۱ ــ پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان پروردگار، به عنوان «خالصه» آن را در دست گرفت.

۲ ــ به فرمان خداوند آن را به عنوان « نحله » به حضرت زهرا تسلیم کرد .

۳ ــ در طول حیات پیامبر ، حضرت زهرا آن را در تصرّف خود داشت .

۴ ــ پس از ارتحال پیامبر ، ابوبکر آن را مصادره کرد .

۵ ــ پس از آن ، خلیفه ی دوّم به مدّت دو سال فدک را تصرّف کرده ، به امیرمؤمنان بازگرداند .

۶ ــ عثمان آن را مصادره کرد .

۷ ــ معاویه آن را به مروان بخشید .

۸ ــ عمر بن عبدالعزیز آن را بازگرداند .

۹ ــ پس از او ، بار دیگر مصادره شد و سفّاح برگرداند .

۱۰ ــ باز هم غصب شد و مهدی پس داد .

۱۱ ــ باز هم مصادره شد و مأمون برگرداند .

۱۲ ــ همچنین غصب شد و واثق پس داد .

۱- ۱ . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ۱ ، ص ۲۲۵ .

۱۳ ـ باز هم غصب شد و منتصر برگرداند .

۱۴ ـ و باز مصادره شد و مهتدی برگرداند .

۱۵ ـ باز برای چندمین بار مصادره شد و راضی باللّه پس داد .(۱)

روی این بیان ، فدک در ایّام خلافت امویان و عباسیان ، ۱۰ بار مصادره شد و باز به فرزندان حضرت فاطمه بازگردانده شد .

از این دست به دست شدن ، می توان کشف کرد که خلفا نیز یقین داشتند که حدیث « نحن معاشر الأنبیاء لا نورث » دروغ است و دروغ بودن آن را ، حضرت فاطمه با استناد به آیات قرآن در خطبه ی مشهور خود ، که به عنوان استیضاح دولت وقت در میان مهاجران و انصار ایراد کرد ، اثبات نمود .(۲)

۱- ۱ . ر . ک به : ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۶ ، ص ۲۱۶ ؛ طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۶ ، ص ۶۳۴ ؛ سمهودی ، وفاء الوفا ، ج ۳ ، ص ۹۹۷ ، احیاء التراث ، بیروت ، ۱۴۰۱ ق . بحرانی ، البرهان ، ج ۶ ، ص ۷۸ و محدّث قمی ، فیض العلّام ، ص ۲۱۱ ، نوید ، قم ، ۱۳۶۵ ش .

۲- ۲ . نگارنده این خطبه را از ده منبع معتبر نقل کرده و کتاب شناسی ۹۲ عنوان از شروح آن را در « کتابنامه ی آثار ماندگار تنها یادگار پیامبر » ، صص ۹ ـ ۳۱ ، دلیل ما ، قم ، ۱۳۸۴ ش . آورده است .

یادداشت چهارم

نمی از یم فضایل و مناقب صاحب فدک

۱ ـ رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خداوند متعال نقل می کند که در کلام قدسی فرمود:

« یا اَحْمَدُ ! لَوْلاکَ لَما خَلَقْتُ الاْءَفْلاکَ ، وَلَوْلا عَلِیٌّ لَما خَلَقْتُکَ ، وَلَوْلا فاطِمَهُ لَما خَلَقْتُکُما » :

« ای احمد صلی الله علیه و آله اگر تو نبودی جهان را نمی آفریدم ، و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم ، و اگر فاطمه نبود شما را نمی آفریدم » .(۱)

۲ ـ امام باقر علیه السلام فرمود :

« وَلَقَدْ کانَتْ علیهاالسلام مَفْرُوضَهَ الطّاعَهِ عَلی جَمِیعٍ مَنْ خَلَقَ اللّه ُمِنَ الْجِنِّ وَالاْءِنْسِ وَالطَّیْرِ وَالْوَحْشِ وَالاْءَنْبِیاءِ وَالْمَلائِکَهِ » :

«حضرت فاطمه علیهاالسلام بر همه ی مخلوقات خداوند، از جن و انس و پرنده و درنده و پیامبران و فرشتگانْ واجب الاطاعه بود ».(۲)

ص: ۹۲

۱- ۱ . میرجهانی ، الجُنّه العاصمه، ص ۲۸۴ ، بیت الزّهراء ، مشهد ، ۱۴۲۶ ق .

۲- ۲ . طبری ، دلائل الامامه : ص ۲۸ حیدریّه ، نجف ، ۱۳۸۳ ق ؛ ص ۱۰۶ ، بعثت ، قم ، ۱۴۱۳ ق .

۳ ـ امام صادق علیه السلام فرمود :

« وَهِیَ الصِّدّیقَهُ الْکُبْری ، وَعَلی مَعْرِفَتِها دارَتِ الْقُرُونُ الاْءُولی » :

« او صدّیقه ی کبری است ، و همه ی قرنهای پیشین بر محور معرفت او دور زده است » .(۱)

۴ ـ امام حسن عسکری علیه السلام فرمود :

« نَحْنُ حُجَّهُ اللّه ِ عَلَی الْخَلْقِ ، وَفاطِمَهُ حُجَّهٌ عَلَیْنا » :

« ما امامانْ حجّت خدا بر مردمان هستیم ، و فاطمه علیهاالسلام حجّت خدا بر ما می باشد » .(۲)

۵ ـ حضرت بقیّه اللّه ـ ارواحنا فداه ـ در ضمن توقیع شریفی مرقوم فرموده است :

« وَفِی اِبْنَهِ رَسُولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله لی اُسْوَهٌ حَسَنَهٌ » :

ص: ۹۳

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الأمالی ، ج ۲ ، ص ۶۲ ، سنگی ؛ ص ۶۶۸ ، ح ۱۳۹۹ ، مجلس ۳۶ ، ح ۶ ، بعثت ، قم ، ۱۴۱۴ ق .

۲- ۲ . طیّب ، تفسیر اطیب البیان ، ج ۱۳ ، ص ۲۳۵ .

« در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من الگوی خوبی هست » .(۱)

۶ ــ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

« نَزَلَ مَلَکٌ فَبَشَّرَنی اَنَّ فاطِمَهَ سَیِّدَهُ نِساءِ اَهْلِ الْجَنَّهِ » :

« فرشته ای به نزد من آمد و مرا بشارت داد که فاطمه بانوی بانوان اهل بهشت است » .(۲)

۷ ــ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث مفصّلی فرمود :

« وَاَمّا اِبْنَتی فاطِمَهُ ، فَاِنَّها سَیِّدَهُ نِساءِ الْعالَمینَ ، مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ ، وَهِیَ بَضْعَهٌ مِنّی ، وَهِیَ نُورُ عَیْنی وَثَمَرَهُ فُؤادی ، وَهِیَ رُوحی » :

« امّا دخترم فاطمه ، پس او بانوی بانوان جهان است از اوّلین و آخرین ، او پاره ی تن من است ، او نور چشم من است ، او میوه ی دل من است ، و او روح من است » .(۳)

۸ ــ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

۱- ۱ . شیخ طوسی ، کتاب الغیبه ، ص ۲۸۶ ، بنیاد معارف ، قم ، ۱۴۱۱ ق .

۲- ۲ . ذهبی ، سیر اعلام النّبلاء ج ۲ ، ص ۱۲۳ ، الرّساله ، بیروت ، چ نهم ، ۱۴۱۳ ق .

۳- ۳ . شاذان بن جبرئیل ، الفضائل ، ص ۲۲ ، مؤسّسه ی ولیّ عصر ، قم ، ۱۴۲۲ ق .

« فاطِمَهُ بَهْجَهُ قَلْبی ، وَابْناها ثَمَرَهُ فُؤادی ، وَبَعْلُها نُورُ بَصَرِی ، وَالْاءَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِها اُمَناءُ رَبّی ، وَحَبْلُهُ الْمَمْدُودُ بَیْنَهُ وَبَیْنَ خَلْقِهِ ، مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ نَجا ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوی » :

« فاطمه سرور دل من است ، دو پسرش میوه ی دلم هستند ، همسرش نور دیده ام می باشد ، امامان از نسل فاطمه امنای پروردگار و ریسمان استوار خداوند به سوی مردمانند ، هر کس به آنها چنگ بزند نجات می یابد و هر کس از آنها تخلّف کند هلاک می گردد » .(۱)

۹ _ امیرمؤمنان علیه السلام در بیان این معنی که همه ی ستارگان فروزان امامت از آسمان عصمت حضرت فاطمه طلوع می کنند ، می فرماید :

« فَهُمْ الْکَواکِبُ الْعَلَوِیَّهُ الْمُشْرِقَهُ مِنْ شَمْسِ الْعِصْمَهِ ، الْفاطِمِیَّهِ ، فی سَماءِ الْعَظَمَهِ الْمُحَمَّدِیَّهِ ، وَالْاءَغْصانُ النَّبَوِیَّهِ الثّابِتَهِ فِی الدَّوْحَهِ الْاءَحْمَدِیَّهِ » :

« آنها ستارگان فروزان علوی هستند که در آسمان

۱- ۱ . خوارزمی ، مقتل الحسین ، ج ۱ ، ص ۹۹ ، فصل پنجم ، ح ۲۱ ، انوار الهدی ، قم ، ۱۴۱۸ ق.

برافراشــته ی محمّدی صـلی الله علیه و آله از خورشید عصمت فاطمی نورافشانی می کنند ، آنها شاخه های نبوّت هستند که در حدیقه ی احمدی ثابت و استوارند » .(۱)

۱۰ ــ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

« خَیْرُ رِجالِکُمْ عَلِیُّ بْنُ اَبی طالِبٍ ، وَخَیْرُ شَبابِکُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ ، وَخَیْرُ نِسائِکُمْ فاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ » :

« بهترین مردان شما علی بن ابی طالب است ، بهترین جوانان شما حسن و حسین هستند ، و بهترین زنان شما فاطمه دختر محمّد است ــ که درود خداوند بر همه شان باد ــ » .(۲)

۱۱ ــ رسول گرامی اسلام خطاب به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

« اَلا تَرْضَیْنَ اَنْ تَکُونی سَیِّدَهَ نِساءِ اَهْلِ الْجَنَّهِ وَابْناکِ سَیِّدا شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ » :

« آیا خشنود نیستی از این که بانوی بانوان اهل بهشت هستی و دو پسرت سرور جوانان بهشت می باشند » .(۳)

۱- ۱ . میرجهانی ، الجُنّه العاصمه ، ص ۱۶۶ ، فصل ششم ، ح ۳۳ .
۲- ۲ . خطیب بغدادی ، تاریخ بغداد ، ج ۴ ، ص ۳۹۲ ، دارالکتب العلمیّه ، بیروت ، ۱۴۰۷ ق .
۳- ۳ . هیثمی ، مجمع الزّوائد ، ج ۹ ، ص ۲۰۱ ، دارالکتاب العربی ، بیروت ، ۱۴۰۲ ق .

۱۲ _ امام صادق علیه السلام فرمود :

« لِفاطِمَةَ تِسْعَةُ اَسْماءٍ عِنْدَ اللّه ِ عَزَّ وَجَلَّ : فاطِمَةُ وَالصِدّیقَةُ وَالْمُبارَکَةُ وَالطّاهِرَةُ وَالزَّکِیَّةُ وَالرَّضِیَّةُ وَالْمَرْضِیَّةُ وَالْمُحَدَّثَةُ وَالزَّهْراءُ » :

« برای حضرت فاطمه علیهاالسلام در نزد خداوند متعال نُه اسم هست : فاطمه ، صدّیقه ، مبارکه ، طاهره ، زکیه ، راضیه ، مرضیه ، محدَّثه و زهراء » .(۱)

۱۳ _ هنگامی که امام باقر علیه السلام را تب عارض می شد ، با صدای بلند نام حضرت فاطمه را بر زبان جاری می کرد و از آن استشفا می نمود .(۲)

۱۴ _ از امام صادق علیه السلام پرسیدند : چرا حضرت فاطمه علیهاالسلام « زهرا » نامیده شد ؟ فرمود :

« لِاَنَّها کانَتْ اِذا قامَتْ فی مِحْرابِها زَهَرَ نُورُها لاِءَهْلِ السَّماءِ کَما یَزْهَرُ نُورُ الْکَواکِبِ لاِءَهْلِ الْاَءرْضِ » :

ص: ۹۷

۱- ۱ . شیخ صدوق ، الامالی ، ص ۴۷۴ ، مجلس ۸۶ ، ح ۱۸ ، اعلمی ، بیروت ، ۱۴۰۰ ق .

۲- ۲ . محدث قمی ، بیت الأحزان ، ص ۱۰۰ ، حسینیّه ی عمادزاده ، اصفهان ، ۱۴۰۴ ق .

« زیرا هنگامی که حضرت زهرا در محراب عبادتش قرار می گرفت نور جمالش بر اهل آسـمانها می درخشـید آنچنان که نور ستارگان بر اهل زمین می درخشید » .(۱)

۱۵ ــ یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نام دخترش را « فاطمه » نهاده بود ، امام علیه السلام به او فرمود :

« اَما اِذا سَمَّیْتَها فاطِمَهَ فَلا تَسُبَّها وَلا تَلْعَنْها وَلا تَضْرِبْها » :

« حالا که او را فاطمه نامیده ای به او دشنام مده ، او را نفرین مکن و او را مزن » .(۲)

۱۶ ــ امام صادق علیه السلام فرمود :

« لَوْ لا اَنَّ اللّه ـَ تَبارَکَ وَتَعالی خَلَقَ اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ علیه السلام لِفاطِمَهَ ، ما کانَ لَها کُفْوٌ عَلی ظَهْرِ الْاَءرْضِ مِنْ آدَمَ وَمَنْ دُونَهُ » :

« اگر خداوند حضرت علی علیه السلام را برای حضرت فاطمه علیهاالسلام

۱- ۱ . شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، ص ۶۴ ، جامعه مدرسین ، قم ، ۱۳۶۱ ش .
۲- ۲ . کلینی ، الکافی ، ج ۶ ، ص ۴۹ ، دارالأضواء ، بیروت ، ۱۴۰۵ ق .

نمی آفرید ، هرگز برای او کفو و همسنگی پیدا نمی شد ، از حضرت آدم تا هر کسی که بعد از او پای در صحنه ی گیتی نهاده است » .(۱)

۱۷ _ حضرت فاطمه علیهاالسلام از پدر بزرگوارش خواست که از خدا بخواهد مهریه ی آن حضرت را شفاعت گنهکاران امّت قرار دهد .

جبرئیل فرود آمد و طاقه ی ابریشمی آورد که بر آن نوشته شده بود :

« جَعَلَ اللّه ُمَهْرَ فاطِمَهَ الزَّهْراءِ شَفاعَهَ الْمُذْنِبینَ مِنْ اُمَّهِ اَبیها » :

« خداوند شفاعت گنهکاران امّت را مهریه ی حضرت فاطمه قرار داد » .

حضرت فاطمه به هنگام ارتحال وصیّت فرمود که آن پارچه ی ابریشمی را از زیر کفن بر روی سینه اش قرار دهند .(۲)

۱۸ _ رسول اکرم علیه السلام خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :

« اِنَّ اللّه َاَمَرَنی اَنْ اُزَوِّجَکَ فاطِمَهَ عَلی خُمْسِ الدُّنْیا _ اَوْ عَلی رُبْعِها _ فَمَنْ مَشی عَلَی الْاءَرْضِ وَهُوَ یُبْغِضُکَ ،

۱- ۱ . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۶۱ .

۲- ۲ . قزوینی ، فاطمه الزّهراء من المهد الی اللّحد ، ص ۱۳۴ ، بصیرتی ، قم ، ۱۴۱۴ ق .

فَالدُّنْیا عَلَیْهِ حَرامٌ ، وَمَشی عَلَیْها حَراماً » :

« خداونـد به من امر فرمود که فـاطمه را به تزویـج تو درآورم ، در برابر یـک پنجم روی زمین ، و یـا فرمود : یک چهارم روی زمین [تردید از « عتبه » راوی حدیث است] پس هر کس در روی زمین گام بسپارد ، در حالی که تو را دشـمن می داد ، دنیا بر او حرام است و گام نهادنش بر روی زمین حرام است » .(۱)

۱۹ ــ در شب زفاف حضـرت فاطمه علیهاالسـلام حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله در پیشاپیش حضـرت فاطمه ، جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ ، و هفتاد هزار فرشـته پشت سرِ آن حضرت حرکت می کردند و تا طلوع صبح به تسبیح و تقدیس پروردگار مشغول بودند .(۲)

۲۰ ــ پیامبر گرامی اسلام خطاب به حضرت فاطمه فرمود :

« زَوْجُکِ اَعْلَمُ النّاسِ عِلْماً ، وَاَوَّلُهُمْ سِلْماً ، وَاَفْضَلُهُمْ حِلْماً » :

« همسرت از نظر دانش از همه داناتر ، و از جهت اسلام آوردن بر همه مقدّم ، و از جهت عقل از همه برتر است » .(۳)

ص: ۱۰۰

۱- ۱ . قندوزی ، ینابیع المودّه ، ج ۲ ، ص ۳۱۴ ، باب ۵۶ ، ۹۰۴ ، اسوه ، قم ، ۱۴۱۶ ق .

۲- ۲ . طبری ، ذخائر العقبی ، ص ۳۲ ، قدسی ، قاهره ، ۱۳۵۶ ق .

۳- ۳ . دولابی ، الذّریّه الطّاهره ، ص ۱۴۴ ، جامعه مدرسین ، قم ، ۱۴۰۷ ق .

۲۱ ـ امام کاظم علیه السلام فرمود :

« اِنَّ فاطِمَهَ علیهاالسلام صِدّیقَهٌ شَهیدَهٌ » :

« فاطمه علیهاالسلام صدّیقه و شهیده است » .(۱)

۲۲ ـ حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود :

« فاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنّی ، یُریبُنی ما رابَهَا ، وَیُؤْذینی ما اذاها » :

« فاطمه پاره ی تن من است ، مرا انـدوهگین می سازد آنچه او را اندوهگین سازد ، و مرا آزار می دهد آنچه او را آزار بدهد » .(۲)

۲۳ ـ خداوند متعال به هنگام معرّفی پنج تن آلِ عبا به فرشتگان ، حضرت فاطمه را محور قرار داده فرمود :

« هُم فاطِمَهُ وَاَبَوُها وَبَعْلُها وَبَنُوها » :

« آنها عبارتند از : فاطمه ، پدر فاطمه ، همسر فاطمه و فرزندان فاطمه » .(۳)

ص: ۱۰۱

۱- ۱ . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۳۵۸ .

۲- ۲ . ابن حجر ، تهذیب التّهذیب ، ج ۶ ، ص ۶۰۹ ، داراحیاء التّراث ، بیروت ، ۱۴۱۲ ق .

۳- ۳ . طریحی ، المنتخب ، ج ۲ ، ص ۲۵۹ ، انتشارات رضی ، قم ، ۱۳۶۸ ش .

۲۴ ـ از امام صادق علیه السلام پرسیدند : حضرت فاطمه علیهاالسلام را چه کسی غسل داد ؟ فرمود : « امیرمؤمنان علیه السلام . »

این مطلب بر مفضّل سنگین آمد ، فرمود :

« لا تَضیقَنَّ فَاِنَّها صِدّیقَهٌ ، وَلَمْ یَکُنْ یُغَسِّلُها اِلاّ صِدّیقٌ ، اَما عَلِمْتَ اَنَّ مَرْیَمَ لَمْ یُغَسِّلْها اِلاّ عیسی » :

« بر دلت سنگین نیاید ، زیرا او صدّیقه بود و جز صدّیق نمی توانست او را غسل دهد ، مگر نمی دانی که حضرت مریم را حضرت عیسی غسل داد ؟ ! » .(۱)

۲۵ ـ رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

« اِنَّ اللّه َ یَغْضِبُ لِغَضَبِکِ وَیَرْضی لِرِضاکِ » :

« خداوند به سبب خشم تو خشمگین می شود ، و به سبب خشنودی تو خشنود می شود » .(۲)

۲۶ ـ رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت فاطمه می فرمود :

« فَداکِ اَبی وَاُمّی » :

۱- ۱ . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۵۹ .

۲- ۲ . طبرانی ، المعجم الکبیر ، ج ۱ ، ص ۱۰۸ ، دار احیاء التراث ، بیروت ، ۱۴۰۴ ق .

« پدر و مادرم به فدای تو باد » .(۱)

۲۷ _ امام رضا علیه السلام در مورد محلّ دفن حضرت فاطمه فرمود :

« دُفِنَتْ فی بَیْتِها ، فَلَمّا زادَتْ بَنُو اُمَیَّهُ فِی الْمَسْجِدِ صارَتْ فِی الْمَسْجِدِ » :

« در خانه ی خود به خاک سپرده شد ، هنگامی که بنی امیّه مسجد را گسترش دادند جزء مسجد قرار گرفت » .(۲)

۲۸ _ حضرت فاطمه علیهاالسلام در وصیّت خود به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :

« نَشَدْتُکَ بِاللّه ِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّه ِ اَنْ لا یُصَلِّیَ عَلَیَّ اَبُوبَکْرٍ وَعُمَرُ » :

« تو را به خدا و به حق محمّد رسول خدا سوگند می دهم که ابوبکر و عمر بر جنازه ی من نماز نگذارند » .(۳)

و در نقلی فرمود : « اگر آن دو نفر بر من نماز بخوانند به پدرم

۱- ۱ . حاکم ، المستدرک علی الصّحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۵۶ ، دارالفکر ، بیروت ، ۱۳۹۸ ق .
۲- ۲ . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۶۱ .
۳- ۳ . محدث قمی ، بیت الأحزان ، ص ۱۴۲ .

شکایت می کنم » .(۱)

۲۹ ـ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مصائب جانکاهی که بر حضرت فاطمه وارد شد خبر داد و فرمود :

« اَللّهُمَّ الْعَنْ ظالِمَها ، وَعاقِبْ مَنْ غَصَبَها حَقَّها ، وَاَذِلَّ مَنْ اَذَلَّها، وَخَلِّدْ فِی النّارِ مَنْ ضَرَبَها عَلی جَنْبِها حَتّی اَلْقَتْ وَلَدَها » :

« خدایا بر ستمگرانش لعنت کن ، و غاصبان حقّش را عقاب کن ، و خوارکنندگانش را خوار کن ، و کسی را که بر پهلویش زد تا فرزندش را سقط کرد در آتش جاویدان ساز » .(۲)

۳۰ ـ امام جواد علیه السلام مدّتی طولانی در دریای تفکّر غوطه ور بود ، امام رضا علیه السلام پرسید :

جانم به فدایت در چه موضوعی این قدر تفکّر می کنی ؟ ! فرمود :

« فیما صُنِعَ بِاُمّی فاطِمَهَ ، اَما وَاللّه ِ لَاُخْرِجَنَّهُما ثُمَّ لَاُحْرِقَنَّهُما ثُمَّ لَاُذْرِیَنَّهُما ثُمَّ لَاَنْسِفَنَّهُما فِی الْیَمِّ نَسْفاً » :

۱- ۱ . طبری ، کامل بهائی ، ص ۳۱۳ و ترجمه ی عربی ، ج ۱ ، ص ۳۹۸ ، المکتبه الحیدریّه ، قم ، ۱۴۲۶ق .

۲- ۲ . شاذان بن جبرئیل الفضائل ، ص ۲۳ .

« در مصائب مادرم فاطمه علیهاالسـلام می اندیشم ، به خدا سوگند جسد آن دو پلید را بیرون می آورم ، سپس آتش می زنم ، و خاکسترشان را بر باد می دهم و بازمانده شان را در دریا می ریزم » .(1)

۳۱ _ امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید :

« ثُمَّ يُحْرِقُهُما بِالْحَطَبِ الَّذى جَمَعاهُ لِيُحْرِقا بِهِ عَلِيّاً وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ، وَذلِكَ الْحَطَبُ عِنْدَنا نَتَوارَثُهُ » :

« حضـرت بقیّه اللّه _ ارواحنـا فـداه _ آن دو پلیـد را بـا همـان هیزمی که برای سوزانیـدن علی و فـاطمه و حسن و حسـین گرد آورده بودند می سوزاند ، آن هیزم در نزد ما می باشد ، ما امامانْ آن را از یکدیگر به ارث می بریم » .(2)

۳۲ _ در عهد امام صادق علیه السلام پای زنی لغزید و بر زمین افتاد ، از حضرت زهرا علیهاالسلام یاد کرد و گفت :

« لَعَنَ اللّه ُ ظالِميكِ يا فاطِمَةُ » :

« خداوند بر ستمگرانت لعنت کند ای فاطمه » .

ص: ۱۰۵

۱- ۱ . محدث قمی ، بیت الأحزان ، ص ۱۰۰ .

۲- ۲ . طبری ، دلائل الامامه ، ص ۴۵۵ ، ح ۴۳۵ .

مأمورین دولتی او را گرفتند و کتک زنان به زندان بردند .

چون خبر به امام صادق علیه السلام رسید آنقدر گریست که محاسن شریفش تر شد ، آنگاه به مسجد سهله تشریف بردند و برای استخلاص آن زن دعا کردند .(۱)

۳۳ _ هنگامی که رسول خدا در نزد حضرت فاطمه مائده ی آسمانی را مشاهده کرد فرمود :

« اَلْحَمْدُ للّه ِالَّذی لَمْ یُخْرِجْنی مِنَ الدُّنْیا حَتّی رَاَیْتُ فِی ابْنَتی ما رَایَ زَکَرِیّا فی مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرانَ » :

« سپاس خداوندی را که مرا از دنیا بیرون نبرد تا در نزد دخترم دیدم آنچه را که زکریّا در نزد مریم دخت عمران دیده بود » .(۲)

۳۴ _ امام باقر علیه السلام در وصف آن مائده ی آسمانی فرمود :

« آن یک کاسه نان و گوشت بود » .

۱- ۱ . محدث قمی ، بیت الأحزان ، ص ۱۰۱ .

۲- ۲ . بحرانی ، عوالم ، ج ۱۱ ، ص ۹۴ ، مدرسه الامام المهدی ، قم ، ۱۴۰۵ ق .

سپس فرمود :

« فَأَكَلُوا مِنْها شَهْراً ، وَهِیَ الْجَفْنَهُ الَّتی یَأْکُلُ مِنْهَا الْقائِمُ ، وَهِیَ عِنْدَنا » :

« خانـدان عصـمت به مـدّت یـک مـاه از آن غـذا خوردنـد ، آن کـاسه در نزد ماست ، و آن همان کاسه ای است که قائم علیه السلام در آن غذا تناول می کند » .(1)

۳۵ ــ رسول گرامی اسلام خطاب به حضرت فاطمه فرمود :

« اِبْشِری یا فاطِمَهُ ! فَاِنَّ الْمَهْدِیَّ مِنْکِ » :

« ای فاطمه تو را بشارت باد که حضرت مهدی از نسل توست » .(2)

۳۶ ــ امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود :

مادرم حضـرت فاطمه را شب جمعه ای در محراب عبادتش دیدم که شب تا صـبح مشـغول رکوع و سجود بود ، تا هنگامی که صبح طالع گردید .

در این مـدّت افراد زیـادی را از مؤمنین و مؤمنـان شـنیدم که مـادرم از آنهـا یـاد کرد و در حق آنها دعا کرد ، ولی چیزی برای خودش دعا نکرد . گفتم : مادر جان در حقّ همه دعا کردی جز خودت ، فرمود :

۱- ۱ . عیّاشی التّفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۰۴ ، ح ۶۸۱ ، بعثت ، قم ، ۱۴۲۱ ق .
۲- ۲ . متقی هندی ، کنز العمّال ، ج ۱۲ ، ص ۱۰۵ ، الرساله ، بیروت ، ۱۴۰۹ ق .

« يا بُنَيَّ الْجارُ ثُمَّ الدّارُ » :

« فرزندم اوّل همسايه سپس خانه » .(۱)

۳۷ ــ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

« اَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّهَ بِنْتى فاطِمَهُ » :

« نخستين کسی که وارد بهشت می شود دخترم فاطمه است » .(۲)

۳۸ ــ رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

« اِنَّ اللّه ـ غَيْرُ مُعَذِّبِكِ وَلا وُلْدِكِ » :

« خداوند تو را و فرزندانت را هرگز عذاب نمی کند » .(۳)

۳۹ ــ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

« اِذا كانَ يَوْمَ الْقِيامَهِ ، نادى مُنادٍ مِنْ بُطْنانِ الْعَرْشِ ، يا اَهْلَ الْمَوْقَفِ ! غُضّوُا اَبْصارَكُمْ وَنَكِّسُوا رُؤُوسَكُمْ لِتَجُوزَ

۱- ۱ . طبری ، دلائل الامامه ، ص ۱۵۲ ، ح ۶۵ .
۲- ۲ . زينی دحلان ، سيره ی حلبيّه ، ج ۱ ، ص ۲۳۲ ، دار احياء التّراث ، بيروت ، افست چاپ سنگی ۱۳۲۰ ق .
۳- ۳ . هيثمی ، مجمع الزّوائد ، ج ۹ ، ص ۲۰۲ .

فاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عَلَی الصِّراطِ » :

« چون روز قیامت فرارسد منادی از اعماق عرش ندا دهد : هان ای اهل محشر ! دیدگان خود را فروبندید و سرهای خود را پایین بیندازید ، تا فاطمه دخت محمّد از صراط عبور نماید » .(۱)

۴۰ _ رسول گرامی اسلام خطاب به جناب سلمان فرمود :

« یا سَلْمانُ ! حُبُّ فاطِمَهَ یَنْفَعُ فی مِائَهٍ مِنَ الْمَواطِنِ ، اَیْسَرُ تِلْکَ الْمَواطِنِ : الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمیزانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصِّراطُ وَالْمُحاسَبَهُ » :

« ای سلمان ! محبّت دخترم فاطمه در صد مورد پر خطر سود می بخشد ، که از آسان ترین آنهاست : دم مرگ ، قبر ، میزان ، محشر ، صراط ، و به هنگام حساب و کتاب » .(۲)

۱- ۱ . ابن جوزی ، تذکره الخواصّ ، ج ۲ ، ص ۳۳۴ ، مجمع جهانی اهلبیت ، قم ، ۱۴۲۶ ق .
۲- ۲ . خوارزمی ، ج ۱ ، ص ۱۰۰ ، فصل پنجم ، ح ۲۳ .

یادداشت پنجم

اشاره ای کوتاه به شرح حال مترجم

اشاره

نویسنده ی پر توان ، پژوهشگر پر تلاش ، دانشمند پر آوازه ، شادروان عمادالدّین حسین عمادزاده ، فرزند مرحوم میرزا احمد عماد الواعظین ، صاحب بیش از یکصد اثر تألیفی و قریب هزار مقاله در مطبوعات کشور ،(۱) مشهورتر از آن است که نیازی به معرّفی داشته باشد ، لذا در اینجا تنها اشاره ی کوتاهی به زندگانی ایشان می شود :

تولّد : دوم ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ ق . برابر ۱۶ دیماه ۱۲۸۷ ش . ششم ژانویه ۱۹۰۸ م . در اصفهان

مهاجرت به تهران : ۱۳۱۶ ش .

اساتید : سید علی نجف آبادی ، شیخ محمود مفید ، حاج میرزا علی آقا شیرازی ، شیخ محمّد حکیم خراسانی ، سید صدرالدین کوهپایه ای و میرزا رضا کلباسی .

اجازه ی روایتی از حضرات آیات : سید ابوالحسن اصفهانی ، سید محمّد حجّت ، شیخ محمّدرضا مظفر ، سید یونس اردبیلی و مرحوم شیخ آغابزرگ تهرانی .(۲)

پدر بزرگوارش : مرحوم حاج میرزا احمد عماد الواعظین ، فرزند مرحوم ملاحسین عماد الواعظین ، متولّد ۱۲۹۸ ق . برابر ۱۲۵۵ ش . و

۱- ۱ . عمادزاده ، پیشوای اسلام ، ص ۵۰۵ ، چاپ چهارم .

۲- ۲ . دست نوشته های عبدالحسین جواهر کلام .

متوفّای ۱۳۸۴ ق . برابر ۱۳۴۳ ش . از شاگردان ملا محمّدحسین کرمانی ، ملا عبدالکریم گزی ، سید محمود کلیشاوی و حاج آقا منیرالدین بروجردی ، که در بامداد جمعه سوم جمادی الثانیه ۱۳۸۴ ق . پس از نزول از منبر ، در مجلس عزای حضرت فاطمه علیهاالسلام بر اثر سکته وفات نموده ، در تکیه ی حاج محمّد جعفر آباده ای ، در جنب پدرش در تخت فولاد مدفون گردید .(۱)

آثار علمی :

مرحوم عمادزاده به سال ۱۳۲۳ ش . امتیاز روزنامه ی « خرد » را در تهران گرفت ، به سال ۱۳۲۵ ش . روزنامه ی « فریاد اصفهان » را در زادگاه خود منتشر نمود .

از او در بیش از هزار مقاله در موضوعات مختلف اسلامی بر جای مانده و بیش از یکصد اثر علمی به یادگار مانده ، که بیش از نیمی از آنها به زیور طبع آراسته شده است .

در حوزه ی تألیف :

از مرحوم عمادزاده آثار تألیفی فراوان در رشته های مختلف به ویژه تاریخ ، تراجم و سیره منتشر شده ، که از آن جمله است :

۱ . بستان الادب

۲ . تاریخ اسلام

۱- ۱ . سید مصلح الدّین مهدوی ، أعلام اصفهان ، ج ۱ ، ص ۴۰۷ ، چاپ شهرداری اصفهان ، ۱۳۸۶ ش .

۳ . تاریخ انبیا

۴ . تاریخ کربلا

۵ . تاریخ عاشورا

۶ . زندگانی ۱۴ معصوم در ۲۵ مجلد

۷ . شرح خطبه ی غدیر

۸ . مبدء و معاد

۹ . مکتب اسلام

۱۰ . منتقم حقیقی

در حوزه ی ترجمه :

از مرحوم عمادزاده آثار فراوانی در حوزه ی ترجمه برجای مانده که از آن جمله است :

۱ . ترجمه ی قرآن کریم

۲ . ترجمه ی صحیفه ی سجّادیه

۳ . ترجمه ی زینب الکبری ، از علاّمه نقدی

۴ . ترجمه ی خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام

در آستان حضرت زهرا علیهاالسلام

از مرحوم عمادزاده آثار ارزشمندی در شرح زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام منتشر شده که از آن جمله است :

۱ . آرامگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام

۲ . فاطمه ی زهرا دختر پیامبر

۳ . فاطمه ی زهرا سیده نساء العالمین

۴ . خطبه ی آتشین بانوی نمونه ی اسلام حضرت فاطمه ، دفتر نشر قم ، ۱۳۹۱ ق . در ۷۶ صفحه ی وزیری ، به صورت صفحه مقابل .(۱)

این کتاب یکبار دیگر تحت عنوان « متن کامل خطبه ی حضرت زهرا » از سوی کانون شریعت ، به سال ۱۳۷۳ ش . در تهران منتشر شده است .

سپس به پیوست « چهل حدیث در مناقب امّ ابیها » در سال ۱۳۷۹ ش . از سوی انتشارات رسالت قم انتشار یافته است .

و اینک خرسندیم که با اضافات و تجدیدنظر به صورتی که ملاحظه می فرمایید به شیفتگان خاندان عصمت و طهارت تقدیم می شود .

غروب غمبار

شادروان حسین عمادزاده پس از یک عمر تلاش ، تبلیغ ، ترویج ، تألیف ، ترجمه ، سخنرانی و خدمات برجسته ی دینی ، سرانجام در پنجم رمضان ۱۴۱۰ ق . برابر ۱۲/۱/۱۳۶۹ ش . اول آوریل ۱۹۹۰ م . در تهران دیده از جهان فروبست و در کنار مضجع محدّث عالیمقام شیخ صدوق قدس سره در شهر ری به خاک سپرده شد .

آخرین سخن

در پایان بر خود وظیفه می دانم که از بنیانگذار حسینیه ی عمادزاده ، مرحوم حاج آقارضا عمادزاده ، یاد کنم که این کتاب نیز از سوی

۱- ۱ . متن عربی خطبه به خط مرحوم احمد نجفی زنجانی و ترجمه ی آن به خط خلیل بهزادپور نگارش یافته بود .

انتشارات آن حسینیه منتشر می شود .

حاج آقا رضا ، برادر بزرگوار مرحوم حاج حسین عمادزاده ، فرزند برومند مرحوم حاج میرزا احمد عماد الواعظین ، که آثار خیریّه ی فراوان ، از جمله حسینیه ی عمادزاده را در خیابان احمدآباد اصفهان از خود به یادگار نهاد و ده ها کتاب ارزشمند مربوط به خاندان عصمت و طهارت را در طول عمر با برکت خود منتشر نمود ، از جمله : ترجمه ی آذری « اعتقادات علاّمه ی مجلسی » را در یکصد هزار تیراژ با حروف کریل (لاتین روسی) چاپ کرده به آذربایجان فرستاد تا در میان شیعیان آن سامان به رایگان پخش شود .

و اینک این خدمات توسّط فرزندان برومند آن عزیز سفر کرده ادامه می یابد .

از مرحوم حاج آقا رضا در کنار خدمات فرهنگی فراوان کتابی به نام « اربعین حدیث » به یادگار مانده است .

مرحوم حاج آقا رضا در شب چهارشنبه ۲۰ جمادی الاولی ۱۴۲۰ ق . دیده از جهان فروبست و طبق وصیّتش در مدخل حسینیه اش به خاک سپرده شد . « عاش سعیداً و مات حمیداً » .

نهم ربیع المولود ۱۴۳۰ ق .

قم / علی اکبر مهدی پور

ص: ۱۱۵

آثار چاپ شده ی مصحّح

۱ ــ ابو ریحان بیرونی / چاپ دوّم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.

۲ ــ اجساد جاویدان / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

۳ ــ ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوّم / انتشارات رسالت / قم.

۴ ــ ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

۵ ــ ارمغان مجلسی / چاپ پانزدهم / انتشارات رسالت / قم.

۶ ــ ازدواج امّ کلثوم افسانه یا حقیقت / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۷ ــ از شب عاشور تا آدینه ی ظهور / چاپ اوّل / انتشارات عطر عترت / تهران.

۸ ــ اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.

۹ ــ اعتقادات علاّمه ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.

۱۰ ــ اماکن زیارتی منتسب به امام زمان / سلسله مقالات / انتظار / قم.

۱۱ ــ او خواهد آمد / چاپ دوازدهم / انتشارات رسالت / قم.

۱۲ ــ با دعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ اول / نشر موعود / تهران.

۱۳ ــ بانوی اسلام / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۱۴ ــ پیامبر پایه گذار تشیّع / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

۱۵ ــ تاریخ شیعه ی زیدیّه / چاپ اوّل / دانشگاه شیراز.

۱۶ ــ تاریخ وهابیان / چاپ اول / نشر طوفان / تهران.

۱۷ ــ تاریخچه ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۱۸ ــ ترجمه ی مصوّر سوره ی رعد / به سه زبان / دفتر نشر / تهران.

۱۹ ــ ترجمه ی مصوّر سوره ی الرّحمن / به چهار زبان / انتشارات اوس / استانبول.

۲۰ ــ تشرفات در میان نفی و اثبات / سلسله مقالات / موعود / تهران.

ص: ۱۱۶

۲۱ ـ تشیّع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.

۲۲ ـ جزیره ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.

۲۳ ـ جغرافیای کشورهای اسلامی / سلسله مقالات / نسل نو / قم

۲۴ ـ چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۲۵ ـ چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۲۶ ـ چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۲۷ ـ چهل حدیث در مناقب اوّلین پیشوا / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۲۸ ـ چهل حدیث در مناقب امّ ابیها / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۲۹ ـ حضرت مهدی و رابطه العالم الاسلامی /ترکی/انتشارات زمان/ استانبول.

۳۰ ـ دانشگاه امام صادق علیه السلام / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۳۱ ـ دراسه عن حیاه فاطمه علیهاالسلام / عربی / چاپ اوّل / بحرین.

۳۲ ـ در حریم حضرت معصومه علیهاالسلام / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.

۳۳ ـ راهنمای قبله / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۳۴ ـ روزگار رهائی / چاپ سوّم / نشر آفاق / تهران.

۳۵ ـ روزه در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۳۶ ـ رهبری در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۳۷ ـ زندگانی کریمه ی اهلبیت / نشر حاذق / قم.

۳۸ ـ زمینه سازان حکومت امام زمان / نشر توحید / تهران.

۳۹ ـ زیارت عاشورا وآثار معجزآسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم.

۴۰ ـ زیارتنامه ی حضرت معصومه / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

۴۱ _ سرچشمه ی کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه وداد / کرج.

۴۲ _ سند حدیث کساء / چاپ دوّم / انتشارات رسالت / قم.

ص: ۱۱۷

۴۳ ــ سیری در ترجمه های قرآن / سلسله مقالات / نسل نو / قم.

۴۴ ــ سیمای مدینه / سلسله مقالات / میقات / تهران.

۴۵ ــ طول عمر امام زمان علیه السلام / چاپ سوّم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم.

۴۶ ــ عاشورا چه روزیست ؟ / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۴۷ ــ علّامه ی اقبال در مدینه / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۴۸ ــ علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران.

۴۹ ــ علی و فلسفه ی الهی / چاپ اوّل / بنیاد علّامه ی طباطبائی / قم.

۵۰ ــ قرآن معجزه ی جاویدان / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۵۱ ــ قربانیان الکلیسم / سلسله مقالات / نسل جوان / قم.

۵۲ ــ کتابنامه ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

۵۳ ــ کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم.

۵۴ ــ کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم.

۵۵ ــ کریمه ی اهلبیت / چاپ اوّل / انتشارات حاذق / قم.

۵۶ ــ گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.

۵۷ ــ معارف اسلامی / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۵۸ ــ میثم تمّار / چاپ اوّل / انتشارات توحید / تهران.

۵۹ ــ میلاد نور / چاپ اوّل / مسجد صدریّه / تهران.

۶۰ ــ نبراس الزائر / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.

۶۱ ــ نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین علیه السلام / چاپ اول / انتشارات تک / قم.

۶۲ ــ نقش امام زمان در جهان هستی / چاپ سوّم / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۶۳ ــ نقش روزه در درمان بیماریها / به هشت زبان / کعبه / تهران.

ص: ۱۱۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹